



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۸۰۰

صفحه ۲۲۸۷

۲ شنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۲۶

بیر: سید محمد شاهی

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۲۱

روزنامه بومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات سی امین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۹
- ۳ - تصویب نامه
- ۴ - آگهی های رسمی

## مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۳۰

صورت مجلس روز ۱ شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب:

- ۱ - ادامه مذاکره طرح و تصویب دو فقره اعتبار نامه .
- ۲ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس پنج ساعت و ربع بعد از ظهر بریاست آقای ایرحسین ایلخان (نایب رئیس) بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید .

### ۱ - ادامه مذاکره طرح و تصویب دو فقره اعتبار نامه

است . اینستکه دیگر سر آقایان را باخواندن این تلگرافهاییکه بعد بمقام ریاست تقدیم خواهم کرد درد نخواهم آورد فقط عرض میکنم که این چند روزی که بنده این عرایض را کردم بقدری یزیدیها آمدند ، البته مخالف صحبت های منم آمده اند ، موافقین زیادتر آمده اند و تشکر کرده اند و تلگرافات کرده اند و تلگرافهای دیگری هست که تقدیم مقام ریاست میکنم و فقط عرض میکنم علاوه بر تلگراف هائیکه در این کتاب هست که بیشترش راجع به تبعید شدگانست ورد و بدل شده است ، شکایتی را که تبعید شدگان کرده اند از وضعیت خودشان و جوابهایی که با آنها داده شده و همه اش هم مفاصله آمیز است که خودش معلوم میدارد که در این مملکت هر کس قدرت داشت یعنی در هر جای دنیا هر کس خواست سوء استفاده بکند میتواند که همه چیز را بفتح خودش بیچند ، باینجهت این تلگرافات را دوباره نمیخوانم

نایب رئیس - توجه بفرمائید آقایان ، چون جلسه قبل بعنوان تنفس ختم شد علیهذا مذاکرات راجع باعتبار نامه آقای فاضلی از یزد ادامه دارد آقای فرامرزی معترض بودند بفرمائید اظهاراتان را بکنید .

فرامرزی - عرض کنم چون اغلب همکارهای محترم من فرمودند که باختصار بگویم و زیاد طول ندهم البته يك قسمت زیادی از مطالب آنهایی هم که هم بوده بنده گفته ام - اینست که البته باختصار خواهم بگویم برای اینکه در خانه اگر کس است يك حرف بس است بنا بر این بقیه این تلگرافها و این مذاکرات را نمیخوانم فقط تقدیم میکنم بمقام ریاست که این جا باشد . اگر چه من اگر اینها را یکی یکی بخوانم طبعاً مجلس را منقلب خواهد کرد ولی چون تصور میکنم بقدر کفایت گفته ام که اگر مقصود منم حقیقت باشد نه تخرب (یعنی طرفداری و مخالفت) ، همانها کفایت

فقط عرض میکنم خدمت آقایان که قسمت آخر این ساله مربوط بطرز انتخابات وعده مردگانی است که در این انتخابات رأی داده اند ، یکمقدار آدم هائیکه مرده بودند و خاک هم شده بودند جزو رأی دهندگان بانتخابات یزد بوده اند ، عرض میکنم روز گذشته راجع باین قسمت که من حرف میزدم وقتی که عرض کردم اگر ملت ایران را لایق مشروطیت میدانید او را آزاد بگذارید تا خودش رأی بدهد و خودش برای خودش تکلیف معین بکند و اگر چنانچه لایق مشروطیت نمیدانید او را ، يك نظمی در اینکار بدهید یا مشروطیت را تامدتی متوقف بکنید و یا همانطوریکه در يك دوره ۲۰ ساله بود يك ایستای دولت معین بکنند و يك و کلائی را هم معین بکنند دیگر زدو خورد و جنگ و دعوا و هبها در انتخابات نشود ، و اینقدر این مرض مسری و کالت به تمام افراد سرایت نکند که تمام داوطلب بشوند و بزند توی سر همسنگر دسته های مختلف در مملکت درست بکنند و روی انتخابات دهوا بکنند که بقول لامارتین شاعر معروف فرانسوی ، زدو خورد مال آنها باشد و بردش با کسیکه در طهرانست از اول طهران بگوید انتخابات مال من ، مردم هم حق ندارند ، هر کس هم من خواستم تعیین میکنم من باینهم موافقم ، اما باین ترتیب ، باین قانون نمیشود قربان ( صحیح است ) ( اردلان - قانونش را درست بکنید ) ولی قانون را باید بشر اصلاح بکنند . بشر مطابق میلش اجرا میکند مطابق هوشش اجرا میکند ، قرآن کلام خداست ، بهر شهر اسلامی که بروید می بینید يك جور اجرا میشود ( بکنند از نمایندگان - بشر را اصلاح بکنید )

دولت را که مجری اوامر است باید اصلاح کرد کما اینکه آتروزیکه قرآن را آتیهاییکه معتقد بر آن بودند اجرا میکردند اسلام بهترین چیزی بود در دنیا ، باید مجری قانون معتقد بقانون باشد ، آنوقت همشهریه بدشان آمد از اینطرف و فرمودند که پیشهادتان را پس بگیرید ، من حاضرم حرفم را پس بگیرم بشرط اینکه ضمانت بکنید که در دوره ۱۱۶ این وضع پیش نیاید ، آقا این چه وضعی است که ما از حرف بدمان میآید ولی از عمل بدمان نمیآید آنروز آقای دکتر اعتبار این جا که حرف میزدند و همشهری دیگر من اوقاتشان تلخ شد ، مگر دروغ است ؟ مگر جز این است که در مقابل چشم مجلس ، روبروی همین ملت ، همان عمل اول را کردند ، چیزی هم نشد ، بهرامشاه غزنوی فرار کرده بود در یکی از جنگلها و رفته بود یک آسیابانی نامه برده بود بدش سرش شده ، بنو کرش گفت یک چیزی بیآور بپنداز روی من گفت هیچ چیز نیست ، جل اسب هست ، گفت برو مرد که فلان فلا فلان نشده مگر من اسبم که جل اسب رویم بپندازم ، خفه شو یارو ساکت شد سحر شد و هوا سردتر شد ، گفت یک چیزی بیآور بپنداز روی من ، گفت قربان غیر از جل اسب چیزی نیست که داسمش را بیآور خودت را بیآور ، حالا ما از اسمش بدمان می آید ولی از خودش بدمان نمیآید ، متأسفانه خودش با تمام معنی موجود است ، دولت های مابین امر را عمل میکنند و من خیلی تعجب کردم وقتی دولت های ما بیک دولت خارجی یا یک ملت خارجی میگویند که حقوق ملت ایران این جور است ، خوب بابا اول خودتان حقوق ملت ایران را حفظ بکنید تا مردم بفهمند شما معتقد بیک حقوقی و یک قانونی هستید ، دولتی که خودش بخارجی ها نشان میدهد که ملت ایران اراده ای ندارد ، اراده اراده من است چگونه این دولت می تواند در مقابل این خارجه مقاومت بکند و بگوید که چنین چیزی را ملت ایران قبول نمی کند میگویند که تو ما را مسخره میکنی تو خودت برای ملت ایران حق رأی قائل نیستی ، حالا که نوبت ما رسیده ملت ایران رأی نمیدهد ، نخیر تو خودت برو بکن و الا با ما مخالفی این طرز انتخابات نه مشروطیت است نه استبداد نه دیکتاتوری ، یک چیزی است مثل مار ماهی نه مار است نه ماهی مثل شتر گربه نه شتر است نه گربه نه ملت اراده ای دارد در انتخاباتش نه دولت منظمأ حکومت میکند و اداره میکند یک چیز شلهقی است آنوقت در این پول ، حقه بازی ، بند و بست وارد میشود ، اخلاق ملت را فاسد میکند ، مردم را عادت میدهد باینکه دو مملکت داشته باشند یک مملکت روی کتاب ، توی قانون ، روی اوراق و یک مملکت دیگری در خارج که چه جور عمل بکنند یعنی ملت ایران را معتقد میکنند باینکه لفظ غیر از عمل است ، لفظ غیر از حقیقت است آنوقت دلباشان ، حقیقت دلباشان اینست که میگویند ملت عقلش نمی رسد ، چهل سالست شما اینجور عمل میکنید ، عقل شما را هم دیدیم که چه جور میرسد و چه جور عمل میکنید ، حالا یکدفعه هم بگذارید عقل مردم برسد ، عقل ایشان وقتی برسد اینجوری تعمیر میکنند ، خدا رحمت کند مرحوم دغورا در افغانستان یک کسی دارند مثل

دخو که وقتی که هیچ چیز نفهمیدند و نتوانستند یک قضیه ای را حل کنند میروند پیش او ، مثلاً دخوی افغانستان ، یک قبلی از نزدیک شهری رد شده بود ( صاحب جمع - از نزدیک قزوین ) بلی ولی بنده برای اینکه جناب عالی نتوانید از ماده ۱۰۹ استفاده کنید عرض کردم از آنجا و الا در قزوین است ( صاحب جمع - این حق را از ما سلب نکنید ) بنده عرض کردم افغانستان برای اینکه اینجا و کیر ندارد ، حالا بسیار خوب ، از نزدیک قزوین رد شده بود و هر چه فکر کردند قزوینی ها که آیا این چه حیوانی است ، نفهمیدند بعد رفتند دخورا آوردند دخو آمد نگاه کرد ، اول مقداری گریه کرد و بعد از آن خندید ، گفتند این گریه و خنده برای چیست ؟ گفت من گریه کردم برای اینکه فکر کردم من که مردم شما کی رادارید که در اینگونه مواقع سخت باو رجوع کنید و این مشکلات را برایتان حل کند اما خنده از این بابت برایم گرفت که عقل خودم هم نمیرسد که این چیست ، حالا آقای وزیر اول بعنوان اینکه عقل ملت نمیرسد و انتخابات دخالت میکنند و بعد از اینکه دخالت کرد معلوم میشود که عقل خودشان هم نمیرسد که کی را تمجیل بکنند ، آقای نواب راجع باین تلگرافات فرمودند و راجع بعضی مطالب که اینها دروغست ، چه چیز دروغست قربان ؟ ما یک رفیقی داشتیم که این عاشق شده بود و در نتیجه عشق شاعر شده بود حالا که البته اینها لازم و ملزوم هم است یا در نتیجه قوه تغیل و شاعریت عاشقی شده بود و یا بالعکس بعد از عشق شاعر شده بود خیلی شمر میگفت راجع بمشوقه اش ، پدر آن مشوقه خیلی بدش آمده بود میگفت هر چه این میگوید دروغ است یک روزی من خودم باین شاعر گفتم که پدر آن دختر میگوید اینهایی که تو میگوئی دروغ است ، گفت من جاهای دیگر هم شنیده ام که گفته است اینهایی که من میگویم دروغ است ، چه چیز دروغ است ؟ مثلاً میگوید من او را دوست نمیدارم ؟ - الا چه چیز دروغ است ؟ واقعا انتخابات درست بوده ؟ عرض کردم که با تمام احترامی که بجناب آقای نواب میگندارم میخواهم یک خبر خیلی بدی بایشان بدهم و آن اینست که قربان پیری نزدیک است سمدی میگوید ، اگر بازم یکی از آقایان نکویند حافظ میگوید بهر حال یک شاعری میگوید :

مثال عمر سر بر کرده شمی است  
که کوه باز میگردد دمام  
و یا برف گدازان بر سر کوه  
کزو هر لحظه چیزی میشود کم  
ما اینطوری هستیم همی کم کم یک چیزی از ما کم میشود ، پیری نزدیک میشود و هم علمای اسلامی در تفسیر آیه و من نمره ننگه فی الخلق گفته اند اولین علامت پیری اینست که حافظه کم میشود و هم علمای روانشناسی جدید میگویند از سن ۴۵ سالگره قوه حافظه روبره نزول میرود میخواهم عرض کنم جناب آقای نواب جبارست البته ، همانطوریکه جناب عالی قضیه مربوط است و تحقیقات فرمودید من هم چرن خواستم وارد یک قضیه ای بشوم تحقیقات کردم ، این تلگرافات درست است و حتی میخواهم عرض کنم که تلگرافات جناب عالی

هم درست است ( نواب - بنده جداً تکذیب میکنم هیچ هم درست نیست ) حالا جناب عالی تعقیب بفرمائید ( نواب - بنده تحقیق کردم جداً هم تکذیب میکنم ) ( زنک رئیس ) عرض میکنم تعقیب بفرمائید عرض نکردم تحقیق بفرمائید دریزد هم نواب زیاد است ، یکی در زواره سید و یکی در یزد نواب ، بنده عرض نکردم که بامضاء خود جناب عالی است جناب عالی تحقیق بفرمائید ( نواب - بنده خیلی هوشیارم ، تکذیب میکنم ) خواهشی که از جناب عالی میکنم این است که ازین ماده قانون اساسی استفاده بفرمائید و تکلیفی برای تمام مردم را به تلگرافخانه معین کنید که چرا افشا میکند اسرار را ، چرا تلگرافات را بطرف مخالف میدهند ؟ این قانون اساسی است ، افشا یا توقیف متخبرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین میکند ، من معتقدم برای اینکه ملت ایران تأمین پیدا بکند ، امنیت داشته باشد در تلگرافخانه و بدانند که اینجا صندوق سر ملت ایرانست ( نواب - این اعتراض بر آنهایی میشود که مأمورین دولت را بوظیفه شناسی وادار میکنند ) صحیح است کاملاً صحیح است چرا بایک درهم معدودی اسرار مردم را میگوید ، باید اینها را تعقیب کرد و مخصوصاً جناب عالی که این تلگراف مال شاست ، دنبالش را بگیرید ، یا امضای جناب عالی هست یا نیست ، اگر هست که جعل شده ، اگر نیست باید تعقیب بشود تلگرافخانه . ( محمود محمود - آقا تلگرافچی تلگراف کسی را نمیدهد بیرون غیر ممکن است ) آقای محمود مجبور نکند که یک قضایای را اینجا بشما بگویم تلگرافچیها شما یک تلگرافی که پنج نفر مخالف شده اند بگذارید هم در اینجا مجلس یک آبرویی پیدا بکند و هم حقوق مردم در اینجا رعایت شده باشد بنفع منکت هم هست ، بنفع مردم هم هست ، عرض کنم که اینها طرز جریان انتخابات یزد بود که عرض کردم اما حالا این انتخابات و این جناب آقای فاضلی که من ، خودشان میدانند من نه با ایشان خصومتی دارم ، نه دشمنی دارم با آقای هراتی هم همینطور ، فرق نمیکند ، نه خانه آقایان را بلدم ، هیچگونه مناسبتی به هم نداریم که با ایشان اختلافی و دشمنی و خصومتی داشته باشم اصلاً معتقد هم نیستم که روی تحزب یعنی طرفداری از آن دسته و مخالفت با آن دسته اعتباراً کسی رد بشود ، گذشته از اینکه من بیطرفم و تا حالا هم البته آن بلوک کراکایشان درش هستند بیشتر تأیید کرده ام تا بلوک مخالف ایشانرا ، طرز انتخاباتش را عرض آقایان رساندم ، صلاحیت آقای فاضلی ، هم زیاد درش وارد نمیشود و تصور میکنم همین که آتروزیکه در قرعه اسم ایشا در آمد که بیاید آراه را کنترل بکنند تا اسم ایشان آمد همه خندیدند گمان میکنم خودش برای معرفی شخصیت و صلاحیت ایشان کافی باشد ، اما عملی که اینها برای یزد میکنند در انتخاباتشان ، بعد از قهرشان ، یک قضیه را عرض آقایان می رسانم و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ، یک شرکتی هست باسم شرکت سعادت نساجان یزد که ۶۰ هزار سهم فروخته سهمش هم یکی ده تومانست

و قرار اینطور داده اند که تمام کسانی که در این کارخانه کار میکنند سهم داشته باشند و تمام کسانی که سهم دارند در این کارخانه کار بکنند ۶ هزار سهم یعنی ۶ هزار کارگر در این کارخانه که یک میلیون و سی هزار تومان از شیراز برای این کارخانه فرستاده شده و یک میلیون و چیزی هزار تومان پول از هندوستان آمده ، بایران ، برای این کارخانه ، یعنی در آنجا تحقیق کردند بزیدهائی که در آنجا هستند ، در یک جمعه ، سی ام مهر ۱۳۲۶ جلسه ، یعنی انجمن صومالی این شرکت در یزد (تشکیل شده) آقایانیکه مطلع میشوند که یک چنین شرکتی تشکیل شده میگویند ما را هم چه هیئت مدیره بکنید ، بدون اینکه پول داده باشند ، بدون اینکه شرکت داشته باشند در این شرکت ، با اینکه اساسنامه شرکت قید کرده بود کسانی- نمیتوانند حزه هیئت مدیره باشند که ده هزار تومان سهم داشته باشند چون خرید سهامش محدود نیست ) آنها قبول نکردند ، در شب جمعه سی ام مهر ۲۶ که این انجمن تشکیل شده بود بعضی از بستگان آقای فاضلی که یکی از آن ها باسم فاضل است و دیگری باسم خردمندی و اشخاص دیگری که من اسمشان را نمیدانم رفته اند آنجا و در کرایس در آنجا تیر خالی کردند و هیاو کرده اند و جمعیت را بهم زده اند و آنها هم متفرق شده اند بعد هم که هر چه دعوت کردند که دوباره تشکیل شود جرئت نکرده اند که انجمن ها تشکیل شود اینهم مقدمه انتخابات ، اینهم نتیجه عمل انتخابات برای اطاعت امر آقایان که فرمودند باختصار بگویم و برای اینکه بقدر کفایت عرایض را کرده ام باینجا خاتمه میدهم عرایضم را و از آقای نواب و آقایان دیگری که در این قسمت تمصب بفرج می دهند خواهش میکنم که در این قضایای دنیای دیگران نکنند عرض دیگری ندارم این تلگرافاتی است که تقدیم میکنم ، اینهم بقیه تلگرافات است و این هم کتابچه انتخابات است ، اینهم تلگراف دیگری است که برای آقای فاضلی است و اینهم تلگرافات دیگری است که تقدیم میکنم و عرضی ندارم

**نایب رئیس - آقای اورنگ .**  
**اورنگ -** روز ۲۵ برج تیر مجلس شورای ملی افتتاح شد ، امشب شب دوشنبه ۲۵ آبان است درست امشب چهار ماه است که مجلس شورای ملی افتتاح شده و تحقیقاً مطابق رقی که من از محاسبات بمناسبتی دریافت کرده ام یک میلیون تومان خرج این چهار ماه شده است و تقریباً ۴۸ جلسه در هر هفته ای سه جلسه ماهی دوازده جلسه ۴ ماه ۴۸ جلسه مجلس شورای ملی انعقاد یافته باستثناء یک جلسه و پس از یک جلسه بقیه جلسات صرف شد برای استماع بیان هفت هشت ده نفر از رقبا برله و برعله یکدیگر ، این چیزی است که ما شنیدیم و آقایان بیان می فرمودند و بفرمائید ما هم معاف هستیم از گوش دادن بجهت اینکه گریبانمان را مواد ۱۰۰ و ۱۲۰ و ۱۱۴ از جلو عقب بگیرد و اجبار دارم بنشینم استماع بکنم ، البته استماع کردم استماع هم میکنم و خواهم کرد ، من بنده اولاً برای خاطر ناتوانی مزاجیم و ثانیاً بر اثر اینکه یک روزه ای در زندگانی داشته دارم و امیدوارم که مهلت نیابم و مجال نیابم برای تغییر روزه خودم بر سر کناری بوده ام و داخل این

معارضات نشده و نیشوم ، در جلسه گذشته یافتیم که چند نفر از آقایان باز برای چند نفر از آقایان مدادشان صدا کردند منجمله یکی از آقایان آقای ساعد بود نماینده محترم مراغه (صادقی- ساعد افتار) وقتی که باقم برای ایشانهم مخالفی پیدا شد نظر بدو مقدمه بنده با نهایت ناتوانی مزاجی که داشتم رفتم و در خدمت حضرت آقای مامقانی فرآ کسیون محترم اتحاد ملی و عرضشان رساندم که امروز اینطور شنیدم برای ایشان هم یک مخالفی پیدا شده است و من با اینکه یک روزه ای خودم دارم و آن روزه را تعقیب میکنم نظر بدو دلیل نمیتوانم در مورد آقای ساعد نماینده محترم مراغه ساکت باشم یکی اطلاعات و علم و احاطه من است بجزئیات و کلیات اخلاقی دودمان شریف آقای ساعد نماینده مراغه (صادقی- به بخشید ساعد افشار) شما افشار را بهش بچسبانید مرحوم امام جمعه تهران گفته بود ، لقمه الصباح افضل من عبادة الثقلین و ضربت علی یوم الخندق مسمار الدین بعد بهش گفته بودند که این مال آنجا است آن مال اینجا است ، گفت من هر دو را گفتم شما این را بچسبانید با آنجا وصله کنید ، بهر صورت عرض کردم که آن مقدار از اطلاعات من باین دودمان شریف یک دلیل ، دلیل دوم بایستی حقوق این خاندان شریف در بیچاره درگروس حفظ بشود ، خاک گروس دهاتی دارند و سال گذشته در میان برف زمستان آمدند و خودشان و کسانشان بر من رأی دادند و قسمتی موکلین من این دودمانند خوب اگر من یک مرد حقوق دانی هستم آن حقوق را باید بشناسم و اگر مردی هستم که اطلاعات و علم خودم را احترام می گذارم اینها را هم بایستی احترام بگذارم بنا بر این دوم مقدمه من امروز اگر چنانچه مخالفی اظهار مخالفت کرد با آقای ساعد افشار بنده صحبت نمیکنم بعد آمده بیرون از خدمت آقایان ، آقایان هم بین من و خدای من بقدری مکارم اخلاق و بزرگ منشی که هر یکشان داشته و دارند اظهار مرحمت و محبت نسبت بمن کردند خیلی زیاد حتی بسبب خودم من آنجا صحبت کردم در بین آن جمعیت ها هم بین من و بین خدا تمام افرادشان برای سلامت و متشنج نشدن مجلس و هم آهنگ بودن در کارها و ایجاد یک وحدت و اتفاق بیانات عالی کردند و قطع دارم که صحیح فرمودند بعد که از خدمتشان مرخص شدم یافتیم که چند نفر دیگر هم بر چند نفر دیگر همین کارها کردند ، بنده وارد این موضوع نمیشوم یک آقای برعله یک آقای صحبت کرده یا نکرده یا اینکه یک آقای نسبت بیک آقای رأی بدهد یا ندهد ، لکن عرض من راجع باین سبک گذاری است که در مجلس پیش آمده این سبک استدلال و این سبک صحبت کردن مجلس مرا وادار کرده است که بیایم اینجا چند کلمه عرض کنم . در جلسه چهارم یا پنجم مجلس شورای ملی بود آقای دکتر بقائی که نمی دانم اینجا تشریف دارند یا نه (اقبال - اینجا تشریف دارند) خدا بسلامتش بدارد بیانی فرموده بودند آن بیان یک جواب و یک توضیحی لازم دارد که فعلاً وقت و مجال توضیح آن بیان نیست (نورالدین امامی - ۱۰۹ میآید جلوه) داری وقتیکه آن توضیح را من عرض کردم خاطر همه رفقا مستحضر میشود که برای آبروی تاریخ ایران در آینده دنیا چقدر

آن توضیح لازم است ولی من آن منی را گذارم که این رویه مجلس تمام بشود ( من حالا باید مینک هم بگذارم این را بخوانم ) باری برای برهیزاز اینکه اگر در ذیل بیان ایشان من توضیحی بدهم شاید آن توضیح تغییر بشود دفع یک آدمی یا ضرر یک آدمی از اینجه بنده امساک کردم و آن را گذاردم برای بعد از این مسائل متلاشه ، بعد از این مسائل آن مطلب را من توضیح خواهم داد . عرض میکنم که مثلی عرض کنم از صحبت خودمان که ملاحظه فرمائید بنده با کجای صحبت طرفم ، بنده هیچوقت عرضی ندارم باینکه یک آقائی نسبت باین دولت یا موافق باشد یا مخالف ، بنده طرفیتی ندارم اما آقای دکتر اعتبار خدا سلامتت بدارد در سه جلسه قبل بیانی فرمودند ، اول بیان فرمودند در این مجلس شورای ملی رئیس دولت اکثریت ندارد خوب اینجا یکجمله مردمی رای داده اند بموافقت با این دولت برای ایشان لازم بود از آن مردم بپرسند ... ( دکتر اعتبار اگر این موضوع مطرح است بنده هم مراضی دارم ) مثل عرض میکنم ، عرض میکنم که یکی از آن عده من بکنفرم بهتر است و رویه این بود و این باید باشد که هر عده که بشما عرض کرده اند که ما عدد حاضر نیستیم همان عدد را بفرمائید ۵۰ نفر ۷۰ نفر ۱۰۰ نفر ۲۰۰ نفر کمتر یا زیادت ، هر چه هست والا ما گذشته ایم ساکت و گوش هم میدهم آنوقت از طرف همه ماها بفرمائید این خلاف منطوق است ، والا چیز مهمی نیست حالا بهر صورت بکنند ، نکنند من هیچ گریبان کسی را نمیگیرم که بکنند یا نکنند سبک این است یا فرض بفرمائید راجع بان انومیله فرمودند شب قبل تکذیب شد ، تکذیب فرمودند حالا اینها لازم نیست بعقیده من ... ( دکتر اعتبار - این حرفها جایش اینجا نیست فرمایشاتی میفرمائید که جواب دارد ) تأمل بفرمائید بنده محال است عصبانی بشوم اگر کتکم هم بزیند من عصبانی نمیشوم ...

**نایب رئیس** - آقای اورنگ خواهش میکنم راجع بدفاع از آقای فاضلی صحبت فرمائید .

**اورنگ** - این ما را برای تذکر عرض میکنم . عرض میکنم که آقای فرامرزی بیاناتی فرمودند بر علیه جریان انتخابات یزد من بر سبک گفتار ایشان عرض دارم ، آقایان باین دوفتر رای بدهند . ندهند بنده عرضی ندارم ، لکن ایشان که خوب آقائی هستند برای خودشان و برای بنده شخصاً نایستی متوقع باشند چیزهایی که برهان نیست بنام برهان بر من تحویل کنند . بر من و امثال من ، حالا من مشکافم مطلب را ، ملاحظه فرمائید ایشان سواد یک کافه هائی را اینجا خوانده اند بنام اینکه آنها تلگرافات است ، یک کتابچه ای را هم باز فرمودند بنام اینکه این کتابچه حاوی اهدادی است که آن اهداد حکایت میکند از وجود تلگرافهائی ، این دو تا برهان نشد ، سند نشد برای بنده ، سند یک چیز دیگر است ، عدد پر کردن و چاپ کردنش یک چیز دیگر است ، ممکن است مایک کتابی قطور چاپ کنیم هه اش عدد ۱۹۳۶ ، ۳۷۴ ، همینطور زیاد اینها را چاپ بکنیم و بگوئیم هر یک از این اهداد حکایت از وجود یک تلگرافی میکند ، یا یک کلمتی را یا او را اینجا یک نویسنده از یزد بطهران

یا از طهران بیزد عدد ۹۷۳ روز چهارشنبه ماه نمیدانم چندم بود خطاب از یک آقائی یک آقائی ، فلان در بیاید فلان در نیاید ، فلان را تقویت بکنید ، فلان را تقویت نکنید امضاء حسن ، حسین ، علی تقی سبحی و قدوسی تعقیب این جور کافه ها و آن جور از اعداد اینها برهان نیست . بعلاوه اینکه خود آقای فرامرزی فرمایشی کردند که من بانتخاب آقای نواب رای داده ام ، بانتخاب آقای نواب آدم نی تواند رای بدهد جز اینکه جریان انتخابات را درست بدانند ، بجهت اینکه سخن در صلاحیت که نبود ، وقتی که انسانی رای بدهد بانتخاب آقای نواب یزدی این آقای نواب یزدی نامش کجا نوشته شده بود ؟ روی یک تیکه کافه ، آن کافه سه تا اسم نوشته شده بود ، فاضلی ، آقای نواب یزدی ، هراتی ، یا بالعکس این صندوقی که توی آن این اوراق است ، وقتیکه حاصلش بیرون آمد هر چه که حاصلش است یا صندوق بخلاف مقرر پر شده یا موافق مقرر پر شده ، بعداً اگر برخلاف مقرر پر شده که از اول باید اعتراض کرد به تمام افرادی که از آن صندوق بیرون آمدند ، اگر موافق مقرر پر شده اینها سه تا سه قلو زائیده شده اند ( فرامرزی - بنده از ماده ۱۰۹ میخواستم استفاده کنم ) بنده حاضر بنده صبر میکنم تا شما استفاده بکنید عرض میکنم که اگر جریان را رای دادند آقایان چطور نسبت بیکدیگر صحیح است نسبت بدوتا سقیم است ، این شکش را من بفهمم آن شکش را من بفهمم ، بجهت اینکه از مقدمه باطل اگر یک آدم صحیحی بیرون آمد ما آن آدم صحیح را می گذاریم کنار میگوئیم مقدمه باطل بوده است پس نتیجه اش هم باطل است ولی اگر مقدمه را رای دادیم که صحیح است نتیجه را اجبار داریم که قبول کنیم من نمیخواهم عرض بکنم این سبک گفتار درست نیست ، والا در نتیجه چه برآید آنها باشد چه بر اینها باشد این نظر من نیست . اما این کتابچه ها که چاپ می شود چاپ شدنش و کثیرالانتشار بودنش دلیل نیست ، ممکن است یک باطلی را آدم بنویسد صد هزار نسخه چاپ کنند چون چاپ شده و چون صد هزار نسخه است من قبول بکنم این نمیشود ، ممکن است یک نسخه باشد و چاپ هم نشده باشد و صحیح باشد ، ممکن است دو میلیون نسخه باشد و همه چاپی باشد و آن ناصحیح باشد ، اعداد هم ممکن است یکدانه عدد روی یک تلگراف واقع باشد از یک مرکزی که اگر از آن مرکز یک تلگرافی یک جای دیگری بشود آن انتخابات باطل بشود این نیست ، ولی ممکن است صد کتاب نمره چاپ بشود هر یکیش هم صد هزار نسخه ، این صد کتاب و این صد هزار نسخه دلیل صححت نیست ، دلیل صححت چیز دیگری است ، این سبک را بنده عرض دارم . بنده وکیل عمومی استیفاء شدم معاون این آقای آقا شیخ محمد بروجردی میده حفظه الله تعالی که شنیدم شب قبل صحبتی از ایشان بیان آمده است ، حالا بیان آمده است یا بیان نیامده است ایشان یکی از بزرگان و افاضل قضات و صاحب منصبان عالی رتبه عدلیه هستند . بیج ( است ) که بین من و خدای من نمیتوانم عرض بکنم که آقای آقا شیخ محمد عده در عرض عالم و همداد

یک کلمه حرف نازوا گفته باشد ( صحیح است ) بهرحال ایشان مستغنی هستند از اینکه من از ایشان تمجیدی بکنم ، بنده شدم معاون ایشان ، روز اول بنده رفتم معرفی کردند مرا که این آقا دادیار است و اینجا باصلاح وکیل عمومی است منم یک آقائی چون با او خیلی رفیقم اسمش را هم میبرم آقای نقیب زاده مشایخ رفیقم هست خیلی هم اخلاص دارم این آقای مشایخ وکیل یک مردی بود که صغیری داشت و مدافعه مدعی العموم لازم بود انشتیم ما که نشستیم این آقا فرمودند و بیان کردند تندند و بنده حالانیتوانم مثل آن آقا اینجا بگویم بوجوب ماده ۱۷۲ بوجوب ماده ۲۰۲ بوجوب ماده ۴۸۶ یا ۵۷۲ و ۶۷ و فلان یک چهل پنجاه تا ماده که شردند من کجی شدم هر چه فکر کردم دیدم این مواد را من بلد نیستم و نمیدانم و در جواب چکار بکنم ، من را ماده بیچ کرد ورنک صورت من برید بقدری بیرون آمد هر چه که حاصلش است یا صندوق بخلاف مقرر پر شده یا موافق مقرر پر شده ، بعداً اگر برخلاف مقرر پر شده که از اول باید اعتراض کرد به تمام افرادی که از آن صندوق بیرون آمدند ، اگر موافق مقرر پر شده اینها سه تا سه قلو زائیده شده اند ( فرامرزی - بنده از ماده ۱۰۹ میخواستم استفاده کنم ) بنده حاضر بنده صبر میکنم تا شما استفاده بکنید عرض میکنم که اگر جریان را رای دادند آقایان چطور نسبت بیکدیگر صحیح است نسبت بدوتا سقیم است ، این شکش را من بفهمم آن شکش را من بفهمم ، بجهت اینکه از مقدمه باطل اگر یک آدم صحیحی بیرون آمد ما آن آدم صحیح را می گذاریم کنار میگوئیم مقدمه باطل بوده است پس نتیجه اش هم باطل است ولی اگر مقدمه را رای دادیم که صحیح است نتیجه را اجبار داریم که قبول کنیم من نمیخواهم عرض بکنم این سبک گفتار درست نیست ، والا در نتیجه چه برآید آنها باشد چه بر اینها باشد این نظر من نیست . اما این کتابچه ها که چاپ می شود چاپ شدنش و کثیرالانتشار بودنش دلیل نیست ، ممکن است یک باطلی را آدم بنویسد صد هزار نسخه چاپ کنند چون چاپ شده و چون صد هزار نسخه است من قبول بکنم این نمیشود ، ممکن است یک نسخه باشد و چاپ هم نشده باشد و صحیح باشد ، ممکن است دو میلیون نسخه باشد و همه چاپی باشد و آن ناصحیح باشد ، اعداد هم ممکن است یکدانه عدد روی یک تلگراف واقع باشد از یک مرکزی که اگر از آن مرکز یک تلگرافی یک جای دیگری بشود آن انتخابات باطل بشود این نیست ، ولی ممکن است صد کتاب نمره چاپ بشود هر یکیش هم صد هزار نسخه ، این صد کتاب و این صد هزار نسخه دلیل صححت نیست ، دلیل صححت چیز دیگری است ، این سبک را بنده عرض دارم . بنده وکیل عمومی استیفاء شدم معاون این آقای آقا شیخ محمد بروجردی میده حفظه الله تعالی که شنیدم شب قبل صحبتی از ایشان بیان آمده است ، حالا بیان آمده است یا بیان نیامده است ایشان یکی از بزرگان و افاضل قضات و صاحب منصبان عالی رتبه عدلیه هستند . بیج ( است ) که بین من و خدای من نمیتوانم عرض بکنم که آقای آقا شیخ محمد عده در عرض عالم و همداد

نه بقدری کاشتم خوب مهموم . گفتند خوب اهمیت ندارد بیکقدری زمین من میدهم آقا سید یعقوب بیکقدری بنده ، آقا سید یحیی تو هم بنده یک زمینی برایش درست کردند بانمازه سه ری چهار ری و بنده را هم بین خودشان تقسیم کردند و فرستادند فردا صبح مردی رفت بزمن آبی گرفت و مهر کرد هفته ای بر این منوال گذشت پس از یک هفته عصری توی قهوه خانه دیدند مؤمن نشسته بیکقدری هم گریه میکند ، اشک هم میریزد گفتند ای بابا دیگر چه خبرت هست گفت شما که میاید از صحرای میروید توی خانه تان من خانه ای ندارم و غریبم توی این قهوه خانه میخوابم گفتند اهمیت ندارم یا قصد تقریب فردا صبح میرویم دوتا اطاق یک محوطه برای تو فراهم میکنیم ، کردند یکی تیر داد ، یکی زمین داد ، یکی گاه گل درست کرد پس از دوهفته دیدند که نشسته با صدا زه زه میکند و گریه میکند گفتند دیگر چه چیز است گفت آخر شبها شمامیروید توی خانه زن و بچه ها تان دور و برتان هستند و من تنها هستم گفتند آقا سید یعقوب تو دختر داری ؟ گفت چرا گفتند این مسلمان هم هست گویند لاله الا الله مهم شیره میدهم اینهم سنجید اینهم دو من آرد عروسی هم الم شد جای شما خالی ( خنده نمایندگان ) خوب زنی دادند بایشان دست آسی و گلیمی خوب و هر چه که هست یکی دو هفته ای هم از این مقدمه گذشت .

**نایب رئیس** - آقای اورنگ داخل اصل مطلب بشوید .

**اورنگ** - این اصل مطلب است آن امثله ای که آقای فرامرزی فرمودند شما نشنیدید ، جل اسب و پادشاه و آسیاب و همه اینها . عرض میکنم که گریه زیادی کرد و گفتند که دیگر چرا گریه میکنی ؟ گفت اینها میگویند آقا سید محمود و آقا سید علی و آقا سید محمد ولی بن میگویند آقا شیخ محمد گفتند اهمیت ندارد روز قیامت با این حرفها کسی اولاد یغیر نمیشود اگر این الفاظ هم نباشد از اولاد یغیر خارج نمیشود ما لعنت میکنیم بخودمان بعد از این بتو میگوئیم آقا سید محمد یکی بیکقدری هم از شالمان یاره می کنیم و بسرت می بیچیم تمام رفت یک ماهی هم از این مقدمه گذشت یک روزی در صحراها متفرق بودند دیدند که یک نمره ای ازده بلند شد گفتند قطعاً کسی را اقمی زده یا ده آتش گرفته است آمدند دیدند که نمره از خانه آقا سید محمد است آمدند جلو دختر آقا سید یعقوب گفت بلی شوهرم رفته است بالای پشت بام واقعی او را زده آمدند و رفتند بالای بام دیدند بام غلطان را بشل گرفته و گریه میکند گفتند چه خبرت هست گفت میترسم سیدی همه شاهها مثل سیدی من باشد . من از آن میترسم من از آن نمره ها که در محکمه خود شنیدم به کلیدهای گنجی فارون هم شک دارم من میترسم که این کلیدها هم دروغ باشد ، زیاد باین کلیدها و باین افسانه ها گوش من بدم کار نیست ، بهرحال بنده عرضی نیست اگر چنانچه اینها شده اولاً بنده عرضی لازم است بکنم اینست که برای خاطر همین آقایان دو مجلس من در خارج مجلس شورای ملی صحبت کردم یکی در منزل آقای مقدر الملک و آقای آقا سید کاظم یزدی صحبت کردم چند نفری از آقایان نمایندگان تشریف داشتند

و ایشان رغبت سکردند که صبح بدش با بنده ملاقات بکنند و ملاقات کردند و بمن فرمودند خدا میداند باجداد طاهریش که با آنها غرضی ندارم من این آقایان را هیچ نمی شناسم نه خانه شان رفتم و نه چیزی ، من از یزد خوشم میاید از لهجه اش ، و ادله اش را نباید من اینجا بگویم بمن است و آقای رئیس آقای امیر حسینخان ، من وقتی به یزد رفتم که ایشان حاکم بودند ادله ای دارد که من خیلی واقفم خدا میدانی که نمیخواهم شوخی بکنم خیلی من از مکالمه یزدی خوشم میاید خیلی مکرر گفته ام به آقایان عرض میکنم که من این آقایان را نمی شناسم بعد آقای آقا سید کاظم بمن فرمودند که این آقای هراتی ایشان اگر خیرات و میراث بکنند برای یزد مدرسه ، مرضخانه بنا کنند نیست خوبست حالا من کاری ندارم یکدسته بگذارند یا نگذارند بنده عرضم تمام آقایان است فرق نمیکند نه با بنموضوع بخصوص است عرضم باین مجلس است که ما جمع شده ایم اینجا برای یک مصلحتی برای آبادی یک مملکتی ، آبادی یک مملکت و استراحت مردم و ملت خودمان صحبت کنیم و با یکدیگر تبادل نظر کرده باشیم ، شور کرده باشیم چیزی که بمصلحت این مملکت است ما این جا بنام قانون تصویب میکنیم و در مخارج هم مراقب باشیم تبذیر و اصراف نشود ، مخارج مملکت برسد ، وضع مملکت ما روز بروز رو به بهبودی برود ، و این را تصدیق می کنید یا نمی کنید گمان میکنم مقداری از آقایان این را تصدیق کنند من همه شاهها را خدا میداند ، پیغمبر میداند ، دوست میدارم ، و همه آقایان اخلاص دارم ، البته بیعضی ها زیادت چون شناسائی و سابقه و خصوصیت بیشتر است بعضی ها کمتر ، من عرض کلی است بنده عرضم این است که ما اگر باید کار خوب بکنیم یک انسی یک الفتی یک صفای نیتی باید بین همه مان موجود باشد ، نه اینکه همدیگر را بجوییم و بنظرهای نا مطبوع بیدیکر نگاه بکنیم ، کاری از ما ساخته نیست کما اینکه چهار ماه از عمرمان گذشته و هیچ کاری بنیر یک جلسه از ما بر نیامده ، ما نیامده ایم این جا که این بساط راهمین طور طی بکنیم و بآخر برسانیم من استدعا میاز تمام آقایان در صورتیکه از جهت خودشان حکومت بکنند ، این است که یک مقداری امور را با اخلاق جلو بروند هر نیتی که ماداشته باشیم با اخلاق اگر جلو برویم زودتر بمقصد خودمان می رسیدیم اگر از اول این طرز و این ترتیب بین ما محکم فرما بود بآسانی می رسیدیم ، این آقای همدست رضوی یک حرف خوبی در کمیسیون بودجه بمن گفت من حرفها یادم نمیروم بمن گفت یاد تو نفر دیگر خطاب به نفر فرمودند فلان و فلان و فلان بیائید جمع شویم یک ابتکاری از خودمان بکنیم ، این مردم بیچاره اند ، این مردمی که ما آمده ایم بنام آنها یا صحیح یا سقیم خودمان را بسته ایم بآنها ، برای این مردم یک فکری بکنیم ، کمتر باین مبارزات و مشاجرات ، مباحثات ، مفاوضات هر خودمان را در این مملکت صرف کرده باشیم بیائید دور هم بنشینیم یک طوری فکر بکنیم که حاصل فکر ما دوقارز یا ده قارز ببرد این مردم بشورند ، یا آبادی این کشورمان مفید باشد ، من عرض و

استدعا میاز همه آقایان اینست من خیلی اجتناب دارم که برله کسی یا علیه کسی صحبت بکنم ، من استدعا میاز آقایان این است که رحم کنیم بر خودمان و بر اسلافمان و بر اقبابان ما در این مملکت باید زندگانی بکنیم ، مادر این مملکت آسایش میخوایم یا نخواهیم دیگران میخوانند این مملکت منحصر بشهر طبران نیست ، صغاری دارد ، دهات دارد ، دهاقین دارد ، من خودم دیدم از این مجلس قانون گذشت و خودم در ده آقای آصف اعظم ، سردار معظم کردستانی حاضر نشسته بودم در صورتیکه خودم نماینده بودم ایشان نماینده بود بملازمه نمایندگان در ملک خودشان نشسته بودند بعلاوه هر سه مطلب ایشان نفوذ داشتند در آن حوزه در فاصله دو روز یا سه روز سه تا مأمور آمدند یک مأمور آمد گفت که من مأمور عمران و آبادیم تمام آن ده را تشخیص داد که باید خراب شود گفت این دیوارها همه مست است آنوقت از هر خانه دهی از بیست تومان گرفت تا دویست تومان و برد یک مأمور دیگری آمد مضحک تر گفت من باید عروسه ای این ده را ببینم که سن این عروسها به ۱۶ سال رسیده است یا ۱۶ سال نیست ( خنده نمایندگان ) شما آقایان حالا میخندید ولی شده است ، همه آنها را آوردند یکی خوشگلتر را تشخیص داد که ۱۶ ساله نیست بعد او را بترک خودش سوار کرد ، آن ملای عاقد را مهم کتکش را بست از ده بیرون برد ، ششصد ، هفتصد ، هشتصد تومان بهش دادند آن دختر هم ۱۶ ساله شد و بر گشت یک مأمور دیگری هم من یادم رفته بود آن روز خودشان بمن گفتند آمده ، همه ماجراها در این مملکت هست ، آقایان جمع بشویم این ماجراها را طی بکنیم ، جمع بشویم برای خرابی هائی که در این مملکت هست یک فکری بکنیم برای این مردم ، چند روز قبل در خیابان سمدی یک عده سرباز میآوردند برای نظام وظیفه اینها تمام حریان بودند ، بحقیقت معنای حریانی حریان بودند ، یعنی یک شرمه شرمه چیزها بردوش و برشان آویخته بود که نمیشد انسان اینها را بگوید لباس است ( صحیح است ) مایاید برای این چیزها ؟ فکری کرده باشیم والا ده جاسه چهار جاسه پنج جاسه صد جاسه هزار جاسه بنشینیم اینجا بگوئیم کاین آدم نالایق است ، آن یک نازنین است ، آن یکی جریانش همچون است و این یکی همچین ، گراختر و گر گوهر روشنیم من توضیح پیش از این نمیدهم ، گر اختر و گر گوهر روشنیم

ز یک آسمان وز یک معدنیم  
ما رعایای ایران هستیم ، مردمی هستیم ایرانی  
نژاد نشسته ایم اینجا و اما مادر اصلاحت هستیم و من  
مکرر این شعر را برای آقایان خوانده ام کما اگر فاسد  
شدیم تمام مملکت فاسد است ، توقع اصلاح نباید  
از مملکت داشته باشیم ، یک صلاحی در قلب و نیتمان  
باشد تا بتوانیم بادر خودمان یعنی بوطن خودمان  
خدمت کرده باشیم این وطن حق بگردن ماداد این  
وطن مهتماست گهواره ما است آشیز خانه ما است  
همه چیز از این وطن است ما نسبت بان مفروضیم  
همین خاک کیت ناف این جا زدند  
تن و جان را توشه زینجا چندند

ترا دایه و مهربان مادر است  
خوش خانه نست و خالی گراست  
( خالی گر بمعنی آشیزاست )  
نگه سکن که بستان این مام پیر  
چه مایه بکلمات فرو ریخت شیر  
ترا مهر وی بهره دین بود

بیمبر چنین گفت و چونین بود  
حیف است که ما وقت را بطلالت صرف بکنیم  
و آنچه را که مقتضی وظیفه ما است آنچرا که ماست  
وظیفه آن هستیم آن را نکنیم، عوض آن بهم  
بچسبیم، چنگ کنیم، دهوا کنیم، در معاویره آقایان  
قوی هستیم جوان هستیم، قوه داریم، من ندارم  
من ناتوانم، باور کنید والله خدا بداند راست می  
گویم، بوالله راست میگویی همین مقدار که صحبت  
میکنم بگفته کارم از حیث مزاج عقب می افتد، من  
بیچاره شدهام فشار خون دارم، حالا اینجا میخواهم  
بگویم، بهر حال من استدعایم این است، تمنایم این  
است بمن منت بگذارید، بخودتان منت بگذارید،  
باخلاقتان منت بگذارید، بزرگیتان منت بگذارید  
بآن مقدار که متروضید باین مملکت منت بگذارید  
و این ماجرا را تمام بکنید اینجا ماجراست این  
جنجال هارا کنار بگذارید بتمن قضیه برسید، در  
دنیا گذشت هم یک چیزی است، در دنیا باید گذشت  
داشته باشید، این دنیا و این قضاها میگردد برای  
مصالح کلی از یک مطلب جزئی صرف نظر کنید، همین  
بنده شرمند، همین منی که اینجا ایستادهام  
اگر از فیروز کوه و کیل نشدهام کی و کیل شد؟  
پس من این جا آقای محمد علی مسعودی و کیل شد  
والله مثل پسر دوست دارم، خودش میدانم که من  
راست میگویی، حالا من یک بیل بکشم او یک کلنگ  
بکشد که آقا شما چرا شدید من نشدم بسا چرا من  
شدم شما نشدید؟ این چه نتیجه ای دارد خوب  
اینهم یک نماینده است بجای پسر من است، در  
فیروز کوه می بیند، رفته است آنجا مرید خانه درست  
کرده تخت خواب درست کرده مدرسه درست کرده است خدا  
پدرش را بیامرزد (صحیح است) خدا پدرش را رحمت کند  
بالله تالله راست میگویی، بنده عرض کردم چند دقیقه  
التماس کردم بین ختا و خوارزم صلح شد بین این دو  
آن صلح آخر چرا نمیشود؟ من می آیم پای همه تان  
را می بوسم شما بلند شوید یک فصل مرا کتک  
بزنید، ما مردم تازه ایم نسبت به مدیگر غر و غر  
میکنیم هریک از ماها که میبرد آن وقت خود شماها  
جمع میشود یک جلسه اینجا را تعطیل میکنید و بعد  
میگوئید آن فقید سعید، من بنده مزد میبرم، بجان  
عزیزتان که با این سبک مزاج من دیر نمی یایم،  
از شما آقایان اولاً استدعا میکنم که بعد از مردن  
من این جلسه را تعطیل نکنید - عوض آن جا که تعطیل  
حالا بیاید با هم صحبت کنید، با همدیگر آشتی کنید  
اصلاح کنید، مولوی صاحب منوی همین جور در  
کار گیر کرده بود میگفت تا هستی با چه همدیگر را  
میگیرید بعد او میبرد آن وقت میگوئید فقید سعید  
یک غولی ساخته و میگوید ( در این موقع آقای  
کنجه ناوبر رئیس بجای آقای ایلیخان بصدلی ریاست  
جلسه کردند )

پیا تا قدر یکدیگر بدانیم  
که تا باری یکدیگر نمانیم

یعنی تا قبل از اینکه بپریم،  
فنون قل اعد و قل هوا  
چرا در عشق یکدیگر بخوانیم  
شما که باید بیایید روی جنازه من یک قل اعد  
نمیدانم چه چیز بخوانید، یک قل اعد برب الفلق  
- لا یحیی این را با خودم بخوانید،  
غرض ها تیره دارد دوستی ها  
غرضها را چرا از دل نرانیم؟  
شوی خوشدل زمن آنکه که میرم  
چرا مرده پرست و خصم جانیم؟  
چو خواهی بدمرگم آشتی کرد  
که عمری از غمت در امتحانیم  
کسوتون بگذار مردم آشتی کن  
نالوطی ( خنده نمایندگان )  
که در تسلیم ما چون مردگانیم  
چو خواهی بوسه ز دبر خاک گویم  
رخم میبوس و اکنون ما همانیم  
بیانید امشب شب دوم ماه محرم است ( خنده  
نمایندگان ) بخندید من امیدوارم که لب این ملت  
ولب و دهان این مردم در آتیه خندان باشد ( نمایندگان )  
انشاء الله ( خدای جهان و خدای ایران بما توفیق  
بدهد افعال و اعمالی از ما سر بزند؟ سبب خنده  
ملت ما باشد ( نمایندگان - انشاء الله ) ملت ما مجزون  
نشود ( انشاء الله ) اما بیاید رحم کنید یکدیگر،  
رحم اخلاقی دور هم جمع بشوید با یک مجلس قضا  
را بین خودتان فصل کنید، باعداوت و بغض نه کار  
خوب میشود کرد نه کار بد میشود انجام داد، این  
حاصل عرایض من است اگر این عرایض من بسمع  
آقایان ناگوار و ناپسند است بسوزان با آتش بشویان  
بآب ( صحیح است احسن )

**نمایندگان** - مذاکرات کافی است ( رأی رای ) .  
( در این موقع آقای ایلیخان مجدداً بصدلی ریاست  
مراجعت کردند ) .  
**فراهرزی** - بنده اخطار دارم و میخواهم  
عرایض بکنم .

**نایب رئیس** - بفرمائید آقای  
**فراهرزی** - عرض کنم که ایشان فرمودند  
( اورنگ - بنده عرض کردم ) که اینها صحیح نیست  
و برهان وارد، من نمیدانم اگر تلگرافاتی که  
مبنی بر دخالت دولت است و احکام و نامه  
هائی که دال بر توقیف و تبعید مردم است  
و اقرار فرماندار محل که من حزب را بستم و فلان  
و فلان را تبعید کردم اجتماعات را ممنوع کردم در  
عرف مشروطیت و در اصطلاح آزادی اینها برهان  
نیست برای بطلان انتخاباتی پس برهان چیست؟  
چه عرض کنم؟ دیگر فرمودند ( اورنگ - عرض  
کردم ) ... به بنده فرمودید از نظر خودتان عرض  
کردید، فرمودند من یک مقداری اعداد دادم ۱۲۴  
و ۵۸ و ۲۵۲، اینها قربان اعداد تلگرافی  
است که گفته است هر کسی که خواست آزادانه رأی  
بدهد بگیرد خوب توی آستینش بکشد، این  
تلگرافاتی است که من تقدیم کردم بمقام ریاست،  
یا این تلگرافات صحیح است یا این تلگرافات  
صحیح نیست، اگر این تلگرافات صحیح است اینجا  
دلیل است، اینها سند است و مدرک برهان است،  
این جا آقا حس است، در مقابل حس برهان چیست؟

آدم را گرفته اند تبعید کرده اند، این حر است  
این مثل صدلی و دیوار است، این مثل مجسمه  
است، با شعر که مدرک محکم و محسوس و آنچه  
آدم می بیند نبشود رد کرد. ایشان برای رد عرایض  
من یک کلباتی ذکر کردند که همه کس قبول دارند  
مثلاً فرمودند که کثرت انتشار یک مجله یا یک نامه  
دلیل صحتش نمیشود، این را من قبول دارم، یک  
وقتی ممکن است یک قضیه واقع شده باشد و اصلاً  
مدرکی نباشد ولی یک وقتی قضیه واقع نشده باشد  
و چندین میلیون اوراق منتشر کنند، این را من  
قبول دارم و همه کس قبول دارد. اگر با کلباتی  
حرفها رد میشود که مربوط بحرف من نیست، من  
هم کلمات مسلمی میگویی که معلوم شود که حرف  
ایشان صحیح نیست و آن این است که شت از مرغ  
بزرگتر است خورشید هم روشن تر از ماه است و  
هم بزرگتر از ماه است، اینها مربوط بموضوع  
نیست، همان طور هم می گویم چون دو میلیون نسخه  
منتشر شده است پس آن دو میلیون نسخه صحیح  
است؟ در مقابل کلبات مسلم من هم میتوانم یک کلبات  
مسلم بیاورم و با اینها آقا عوام را میشود گول زد  
اما یک مردم روشن فکر تحصیل کرده آشنا بقانون  
میدانند که این کلبات مربوط باین جمله هست یا  
نیست. تصادفاً قضیه زواره را ایشان مثل زدند و  
آن این است که خواستم بگویم اگر همه مدافعین  
از این انتخابات همین فرمایشات آقای اورنگ را  
خواهند فرمود بهتر است وقت را کمتر بگیرند و  
مختصر بکنند ( نمایندگان - صحیح است ) چون  
هیچ یک از این فرمایشات دلیل نمیشود و نمیتواند دلیل  
بنده را رد بکند و از خود آقایان میبرسم آیا حقیقه  
شرح و وصف زواره و داستان این قضیه که جناب  
آقای اورنگ با آن فصاحت بیان فرمودند جلویکی  
از این تلگرافات را میگیرد و یکی از این تلگرافات را  
رد میکند؟ فرمودند ما برای مصلحت این مملکت  
جمع شده ایم، کدام مصلحت جناب آقای اورنگ  
از این بالاتر است که مجلس تصفیه بشود که ملت  
ایران بمجلس اعتماد بکنند و احترام بگذارند؟  
مادامی که یک ملتی بدولتش و یا بمجلسش اعتماد  
نداشته باشد، احترام بآن دولت یا بآن مجلس نخواهد  
گذاشت، و مادامی که احترام بآنها نگذارد هر عملی  
که بکند مورد انتقاد و شک و تردید ملت واقع میشود  
پس من برای مصلحت مملکت این عرایض را کردم  
یک حکایتی یاد آمد، هیتلر در کتاب مبارزه من  
نوشته علت تفوق متفقین در آن جنگ بر ما این بود  
که حکومت آنها هر چه میگفت منتشان باور میکرد  
و حکومت ما هر چه میگفت منتان مسخره میکرد،  
ما میگفتیم در راه انسانیت میجنگیم ملتان میگفتند  
دروغ میگویند آنها میگفتند در راه انسانیت میجنگیم  
منتشان میگفتند راست میگوئید شما دارید در راه  
انسانیت میجنگید ...

**نایب رئیس** - آقای فرامرزی خواهش  
میکنم با تصور بفرمائید.  
**فراهرزی** - اطاعت میکنم مقصودم این است  
که اگر شما نظر مثبت به مملکت دارید اول آن  
هسته ای که مملکت دور آن میگردد یاد واقع موتور  
مملکت را میچرخاند آن را تصفیه و اصلاح کنید  
درست کنید تا اصلاح بشود. فرمودند مملکت منحصر  
بشهر طهران نیست و چه حرف حسایی است ولی آیا

در موقع انتخابات فقط مملکت منحصر بشهر طهران  
است که موقع آن و کلای ملت را بشهر طهران معین میکرد  
چرا در آن موقعی که ملت میخواهد مقررات خودش  
را در دست بگیرد و حاکمیت خودش را در دست  
بگیرد آن وقت فقط برای شهر طهران است؟ همین  
مهاباد را شما فکر کنید این قدر طهران این قدر  
حکومت بار داده مردم اهمیت نمیدهد، آن قضایای  
خونین که در مهاباد پیش آمده حیا نمیکنند باز از  
طهران میبرند نماینده مهاباد تحمیل میکنند ( نمایندگان  
صحیح است ) آن وقت شما بفرمائید که ایران منحصر  
بطهران نیست، اینها حیا میکنند فکر نمیکنند با  
آن قضایای که آنجا رخ داده است یک استمالتی از مردم مهاباد  
نمیکنند آنوقت از طهران میبرند نماینده بآنجا تحمیل میکنند  
انجمن نظار تعطیل میشود بتلگرافخانه میریزند،  
تهران بآنها جواب نمیدهد با همین مفاصله ها آخراً  
تحمیل خواهد کرد ( صحیح است ) این شعری که  
ایشان فرمودند بیاید با هم دیگر رقابت کنیم و همه  
از یک گور هستیم این دربار صاحب سال و دزد  
همیشه صدر میکند پس نه محکمه ای لازم است نه  
رسیدگی لازم است هر کس هر کس را کشت هر  
جنایتی کرد باز یکی بیفتد که همدیگر را در  
بغل بگیرند پس شما این مملکت را چطور اداره می  
کنید حقوق مردم پایمال میشود قانون اساسی زیر  
یا گذاشته میشود اخلاق و اصول لگد مال میشود  
آنوقت مردم بیایند و یکدیگر را بیوسند آقا مردم  
احتیاج اداره صحیح و بقانون که اجرا بشود و عدل  
و حقیقت بیشتر احتیاج دارند تا اینکه بیایند  
یکدیگر را بیوسند و همدیگر را بغل بکنند این  
است عرایض بنده.

**نمایندگان** - رأی رای .  
**نایب رئیس** - آقای مغیر حق دفاع دارند  
**بعضی نمایندگان** - رأی رای  
**فراهرزی** - بنده استعفا میخواستم بکنم  
و آن این است که چون بنده مریض هستم استدعا  
میکنم پشت سر این اعتبار نامه آقای هراتی هم  
بیاید تا من صحبت بکنم چون بنده مخالف هستم  
**فولادوند** - ممکن است صرف نظر بکنید  
بگذارید رأی گرفته شود.  
**نایب رئیس** - آقایان آقای مغیر میتوانند  
دفاع بکنند. آقایان ارباب بفرمائید.  
**مخبر ششم** - ( آقای ارباب ) آقایان بنده خیلی  
باختصار عرایض میکنم استدعا میکنم توجه بفرمائید  
بنده متأسفانه مغیر ششم هستم و متأسفانه بزودی هستم از تمام  
جریان بزد اطلاع دارم و تمام این جریاناتی که مذاکره  
کردند بنده بهتر از همه آقایان و آقایانی که  
اعتراض کردند و بیان کردند آگاه هستم، رد  
فرمایشات جناب آقای فرامرزی هم دلایل کافی دارد  
برای اینکه وقت مجلس تصفیه نشود بنده عرض  
نکردم و حالا هم عرض نمیکنم اگر آقایان وقت  
دارند یکساعت تمام بنده توضیح میدهم و اگر فرصت  
ندارند بنده بایمان یا آقایان جریان را واگذار  
میکنم که توجه بفرمائید در باره این دو نفر آقایان  
طوری قضاوت بفرمائید که امانتان دستخوش هوی  
و هوس دیگران نشود ( احسن است )  
**نایب رئیس** - پیشنهادی رسیده است که  
قرائت میشود.

( پیشنهاد بشر زیر قرائت شد )  
پیشنهاد میکنم پرونده انتخاباتی یزد نسبت  
بجریان انتخابات آقایان فاضلی و هراتی از دستور  
خارج و موضوع یک کمیسیون ۶ نفری منتخب از  
شعب برای تحقیق مراجعه شود. احمد رضوی  
**نایب رئیس** - توضیح بفرمائید آقا  
**مهندس رضوی** - بنده تصور میکنم  
موقع رسیده است که مجلس شورای ملی قدری در  
امور مربوط بخود مجلس و خارج از مجلس  
با قیافه جدی تر با طرز روشن تری مطالعه و  
مناقضه و اقدام فرماید موضوع انتخابات یزد.  
از نظر نزدیکی شهر یزد بکرمان و رابطه خاصی  
که یزد و کرمان با هم دارند مورد علاقه خاص ما  
است ولی در اینجا دو نکته مختلف است که باید  
بمرض آقایان محترم برسد اول اختلافاتی است بین  
یاره اشخاص روی سیاست های داخلی و نسبت کوچک  
که در این زمینه از قبیل بنده و شاید دیگران نه  
طرفدار یکدسته و علیه دسته دیگر باشیم ( صحیح  
است ) ولی بنسبت علاقه ای که بنواحی خودمان داریم  
از آقایان اجازه میخواهم که حوصله بفرمائید  
و موافقت بفرمائید این موضوع، صحت این تلگرافها  
، حقیقت این تلگرافهای رمز و تمام این مطالب در  
یک کمیسیونی با طرز صحیح و با یک خون سردی  
رسیدگی شود ( صحیح است ) اگر حقیقه فرماندار  
عده ای را برای خاطر انتخاب چند نفر تمیید کرده و به  
شهریانی میبوسد که باید آنها بروند تا من بتوانم  
انتخاب بکنم چند نفر را؟ اگر حقیقه بسوسیل  
تلگرافهای رمز بعضی وزرای غیر مسئول یعنی غیر  
مسئول در امر این تخلفات غیر از وزیر کشور و نخست  
دخالت در امر انتخابات کرده باشند ما از نظر  
علاقه ای که بحفظ اصول مشروطیت داریم یک چنین  
انتخاب را صحیح نمیدانیم و اگر این مطالب بطوری  
که آقای نواب که یکی از مردمان شریف یزد و  
مملکت ما هستند البته اظهار فرمودند و بنده از قسمت  
خودشان هیچ نکته بینی نمیکنم و البته آنطوری که  
ایشان فرمودند اگر بزعم ایشان اینها جمل است  
کمیسیون رسیدگی کند. من نمیدانم این آقایان  
که میخواهند رأی بدهند یا باهمه یا باقیام و نمود  
وقتیکه نمیدانند آن تلگرافات رمز چیست، وقتی  
که نمیدانند حقیقه این تلگرافها چیست، اینها در  
تلگرافخانه موجود است یا جعل است چگونه قضاوت  
خواهند فرمود؟ بنده در خانه عرایض فقط توجه  
آقایان را جلب میکنم که موضوع انتخابات بتدریج  
کس اهمیت پیدا میکند در این مملکت، همانطوری  
که بعضی از آقایان اینجا تذکراتی دادند ما میل  
داریم که در این مواقع این چیزها دیده نشود و از  
آقایان خواهش میکنم برای نمونه همین موضوع  
انتخابات یزد را جداً اجازه بفرمائید در کمیسیون  
مورد رسیدگی و تحقیق واقع شود و یک قضاوت حقیقی  
و عادلانه در مجلس شورای ملی نسبت باین امر بشود  
( صحیح است ) بنده یقین دارم این طریقه بشروطیت  
ایران هم کمک خواهد کرد یعنی بتحکیم مبانی  
مشروطیت ما که حقیقه احتیاج باین تحکیم پیدا  
کرده باین وسیله کمک خواهد فرمود.

**نایب رئیس** - آقای نبوی .

**نبوی** - بنده خیال میکنم که هیچ دوره ای  
نبوده است مثل این دوره که چهار ماه واجیع  
با اعتبار نامه صحبت بشود ( صحیح است ) مجلس غیر  
از اعتبار نامه ها کار دیگر هم دارد ( صحیح است )  
وما باید سعی بکنیم از این کار که یک امر بدوی و  
مقدماتی است خلاص بشویم این پرونده مهاباد در شعبه  
مطرح بود رویش نظر داده شد و رسیدگی شد اورا قی  
از وزارتخانه ها خواسته شده است و مورد دقت قرار  
گرفته اگر آن کمیسیونی که آقای مهندس رضوی  
فرمودند تشکیل بشود غیر از همین کاری که شعبه  
کرده کار دیگری نخواهد کرد و گزارش آن کمیسیون  
بمجلس میآید و همین حرفها است و همین مذاکرات  
تکرار میشود بنابراین من تقاضا میکنم که آقایان  
موافقت بفرمائید که این جلسه اینکار تمام بشود و  
اگر آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند اشخاص موافق  
و مخالف میتوانند صحبت بکنند و اشکالی هم ندارد  
وقت هم باقی است.  
**جمعی از نمایندگان** - رأی رای .  
**نایب رئیس** - آقای مهندس رضوی شما  
پیشنهادتان را مسترد میکنید؟  
**مهندس رضوی** - مسترد نمیکند تقاضا  
میکنم رأی بگیریید.  
**نایب رئیس** - رأی میگیرم به پیشنهاد  
آقای مهندس رضوی آقایانی که موافقت قیام  
کنند ( عده کمی برخاستند ) تصویب نشد، یک  
پیشنهادی رسیده است که قرائت میشود .  
ریاست محترم مجلس شورای ملی راجع  
به اعتبار نامه آقای عباس فاضلی این جانبان امضاء  
کنندگان زیر تقاضای رأی مخفی داریم - حائری -  
زاده - دکتر اعتبار - شادلو - مرآت اسفندیاری -  
کفائی - ملک مدنی - کشاورز صدر - تولیت - احمد  
دهقان - محمدعلی مسعودی - اقبال - نورالدین امامی  
امامی اهری - بهادری - قبادیان - هدایت الله یالیزی  
بهالقدر آزاد - فرامرزی - غضنفری - نصرت الملک  
ملکی - عباسی - بختیار .  
**اردلان** - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم .  
**حاذقی** - اعلام رأی شده است .  
**نایب رئیس** - پیشنهادی از آقای حائری زاده  
رسیده است که طبق ماده ۹۲ اخذ رأی شود قرائت  
می شود .  
( شرح ذیل قرائت شد )  
تقاضا دارم طبق ماده ۹۲ اخذ رأی شود .  
**نایب رئیس** - آقایان توجه بفرمائید نظر  
باینکه خبر شعبه نسبت بنمایندگی دو نفر آقایان  
هراتی و فاضلی ۶ رأی موافق و ۶ رأی مخالف و  
منتع داده شده این موضوع را موکول بنظر مجلس  
گذاشته است در این صورت آقایانی که با نمایندگی  
ایشان و نمایندگی ایشان از یزد موافقت بفرمائید بهره سفید  
بدهند ( صحیح است ) و آقایانی که مخالفند بهره سفید  
میدهند بطوری که تا اکنون اجرا شده است ( صحیح  
است ) عده حاضر در جلسه ۱۰۱ نفر .  
**فراهرزی** - آقا اشتباه است تکرار بفرمائید  
**نایب رئیس** - عده حاضر در جلسه  
۱۰۱ نفر .

یهمین - آقاده حاضر ۱۰۰ نفر است نایب رئیس - آقایان اجازه بفرمائید آقایانی که موافقت با اعتبار نامه آقای فاضلی . اگر مهره سفید بدهند ایشان نماینده مجلس هستند و اگر مهره سیاه بدهند خدای نکرده ایشان رد خواهند شد پس آقایانی که موافقت با صحت انتخابات ایشان مهره سفید خواهند داد همه هم ۱۰۱ نفر آقایان توجه داشته باشید .

(طبق ماده ۱۲۳-اسامی آقایان بشرح ذیل خوانده شد و رای دادند )

آقایان : بهمانی - آشتیانی زاده - کهید - نورالدین امامی - خسرو هدایت - ابوالقاسم امینی - حامری - محمد ذوالفقاری - دهقان - محمد علی مسعودی - حائری زاده - مامقانی - اورنگ - دکتر مجتهدی - نیکبور - عباس مسعودی - اسدی - منصف - تولیت - یمن اسفندیاری - بالیزی - عباس اسکندری - مسعود ثابتی - افغمی - امیر تیمور - کفانی - مهدی ارباب - دکتر مصباح زاده - دکتر طبا - دکتر معظمی - اقبال - مکی - برزین - ضیاء ابراهیمی - دکتر بقائی - بختیار - لبقوانی - حادقی - اردلان - دکتر فلسفی - گلپادی - امامی امیری - اسلامی - صاحب جمع - بیات - دکتر راجی - کشاورز صدر - ملک مدنی - رحیمیان - قبادیان - مشایخی - فرامرزی - دکتر اعتبار - سزاوار - سلطان العلماء - دکتر امینی - وثوق نبوی - دکتر ملکی - گنجی - افشار - هاشم وکیل - محمود محمود - حسین وکیل - آصف - اهراز نیکویی - لاهوتی - صفا امامی - ظفری - غضنفری - صادقی - معتمد دماوندی - شهاب خسروانی - مدین زاده - ابوالقاسم بهمانی - موسوی - سلطانی - بودافیان - شادلو - مکرّم - شریعت زاده - نصرت الملك ملکی - باتانقلیج - دکتر متین دفتری - عباسی - قهرمان آزاد - نواب - ارباب گیو - صاحب دیوانی - قوامی - ملکپور - عرب شیبانی - دکتر شفق - نراقی - اخوان - رفیع - امیر نصرت اسکندری - سالار بهزادی - کتابادی - محمد حسین تشقائی - ناصر ذوالفقاری - هراتی - فولادوند - زنگنه - دادور - ظفر بختیار - مهندس رضوی - تنی زاده .

(آراء مأخوذه شماره شد و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد) عده حاضر ۱۰۹ نفر مهره نقیثیه ۱۰۷ مهره های سفید ۵۸ مهره های سیاه ۴۸ ( در بین شماره آراء از طرف تماشاچیان ابراز احساسات شد )

نایب رئیس - عده حاضر ۱۰۹ نفر آقای عباس فاضلی با کثرت ۵۸ رای اعتبار نامه ایمن تصویب شد .

فولادوند - دو نفر هم رای نداده اند آقای تنی زاده و آقای مهندس رضوی .

فرامرزی - بنده اخطار دارم اجازه بفرمائید نایب رئیس - مطابق چه ماده ای ؟

فرامرزی - مطابق ماده ۱۴۳ و ۱۴۴ . نایب رئیس - بفرمائید .

فرامرزی - ماده را می خوانم . ماده ۱۴۳ مخیرین جرایم و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها هلاکت تکذیب یا تصدیق

مشاهده شود فوراً اخراج خواهند شد . ماده ۱۴۴ - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمعاکم مرجع جلب میشود . ( صحیح است ) چهار ماه است که ما در مجلس هستیم این آقایانیکه می آیند اینجا بنمایندگان اعتراض میکنند که شما چرا میکنید چکار نمیکنید در همین مجلس خلاف قانون عمل میکنید و موجب اختلال نظم میشوند هنوز هیئت رئیسه بکده عمل نکرده است که چند نفر از این هارا بگیرد و تسلیم محکمه بکند تا بعد احترام مجلس محفوظ باشد ( صحیح است ) بنده اخطار میکنم باید آقای رئیس الان چند نفری را که موجب اختلال نظم شدند مخصوصاً بدهند توقیف بکنند و تسلیم بمعکمه هم بکنند ( صحیح است ) تا حیثیت مجلس محفوظ باشد ، هر روز یک طور میکنند برای اینکه با تعارف رد میشود .

نایب رئیس - چندین بار تا بحال هیئت رئیسه در این باره اقدام کرده است ( فرامرزی - تا بحال چند نفر بمعکمه رفته اند ) بنا بر این در اینخصوص عمل خواهد شد اعتبار نامه آقای هراتی مطرح است . آقای فرامرزی بفرمائید .

دکتر معظمی - بنده یک اخطار قانونی داشتم بعد میخواستم عرض کنم اجازه بفرمائید چون راجع بودجه است .

فرامرزی - چون اعتبار نامه آقای فاضلی و هراتی بنظر من بهم مربوط بوده و من بهر دو با یک نظر نگاه میکنم و وقتی هم که حرف زدم راجع بهر دو حرف زده ام اینک زیادی میدانم که یک چیز دیگری راجع باین اعتبار نامه بگویم یک توضیح فقط میخواهم بدهم و آن اعتراضی است که جناب آقای اورنگ فرمودند و جناب آقای دکتر معظمی هم در خارج بمن تذکر دادند و آن این است که فرمودند اگر شما این انتخابات را در یک ردیف می دانید چطور باعتبار نامه آقای نواب که ایشان هم جزو همین انتخاباتی بودند که شما باطل میدانید رای دادید لازم است توضیح عرض کنم که مقصود از تخم مرغ پوستش نیست ، مقصود مغزش است ، مقصود از گردو مغزش است منتها چون گردو بدون پوست درست نمیشود یک پوستی دورش کشیده است طبیعت یعنی خدا و همینطور تخم مرغ ، مقصود از انتخابات این است که آن کسی که نماینده مردم است باو رای داده اند و او بمجلس میآید ، من آقای نواب را از این جهت جدا کردم که او را نماینده مردم میدانم و انتخابات ایندو نفر حمله کردم برای این که این دو نفر را نماینده مردم میدانم دلیل من همان دلالی است که عرض کردم و مدارک من همان است که تقدیم کردم ، تکرارش را بدو جهت لازم نمی بینم یکی اینکه آنچه را که راجع با اعتبار نامه آقای فاضلی گفته ام تا بنایاً متأسفانه من نمی بینم که مجلس گوش بعرف حق بدهد ، یک اشخاصی میآیند یک دلالی میآورند که بنظر من البته ممکن است من اشتباه بکنم مناقطات و مسطه هائی بیش نیست برای اینکه من میگویم حقوق ملت ایران که شما در برابرش قرار گرفته اید قضیه تعارف و دوستی ، همدگر را در سفل گرفتن و پوسیدن نیست

متأسفانه تصمصیم ما قبل از اینکه آدم حرفش را بزند و دلالتش را بگوید گرفته شده است بنا بر این جز اینکه مرض آدم شدیدتر شود سینهاش بیشتر درد بگیرد و سرش بیشتر درد بیاید فایده ای ندارد . بنده باستناد همان دلالی که عرض کردم راجع با اعتبار نامه آقای فاضلی با اعتبار نامه آقای هراتی هم مخالفم ( صحیح است ) .

جمعی از نمایندگان - رای حائری زاده - بنده پیشنهاد داده ام .

مهدی ارباب - اجازه بفرمائید . نایب رئیس - شما خبر هستی آقای شریعت زاده هم اجازه خواسته اند .

ارباب مهدی - بنده موافقم اگر ایشان دفاع بفرمایند .

نایب رئیس - آقای شریعت زاده بفرمائید شریعت زاده - بنده خیلی تقدیر میکنم از همکار محترم آقای فرامرزی که با نهایت حسن نیت استنباطات خودشان را بیان کردند و مجلس باید البته اجازه بدهد که موافقین و مخالفین با کمال آزادی توضیحات خودشان را بیان کنند و استدلال کنند بنا بر این بنده اگر توضیحی بر عرض نمایندگان ملت میرسانم هیچ نظری ندارم که آقای فرامرزی از ماده ۱۰۹ استفاده بکنند البته گوشش میکنم که این مجال بایشان داده نشود زیرا که مقصود بحث و استدلال و پیروی از قوانین و منطق است ، بنده در توضیحات ایشان دو سه مطلب دوسه مورد استناد را متوجه شدم که عمده اش این است ، یک او را آقای فرامرزی در اینجا قرائت کردند و گفتند اینها او را قرائت است که طبق مندرجات این او را تلگرافاتی مخابره شده است و همچنین چند ورقه دیگر یعنی ۱۳ صفحه که در آن شماره ها و اهدای نوشته شده بود که گفتند که تلگرافات رمزی با این شماره ها صادر شده است و مربوط با انتخابات است بنده میخواهم در این دو موضوع که عمده مستندانان بود صحبت کنم بنظر بنده مایک ملت هستیم که در تمام شئون قوانین داریم و بحکم اولویت این قوانین در پیشگاه مجلس شورای ملی باید بیشتر با قیاد احترام برخوردار شویم ما قانونی داریم آقای اورنگ توجه بفرمائید ( اورنگ - در بیان حضرت مستطاب عالی ) کتاب دوم قانون مدنی ما انواع اسناد و دلائل تشریح می کند و نشان میدهد که چه او را قرائت میتوان سند دانست و چه نوع از او را قرائت نشود اثر قانونی است در بیان این معنی اسناد بر دو قسم است ، اسناد رسمی و اسناد عادی ، یا این که رونوشت گواهی شده اسناد مورد استناد قرار میگیرد ، در این مورد او را قرائت که ابراز شده است نه اصل است و نه رونوشت فقط ایشان میفرمایند ، من این طور تشخیص داده ام که این او را قرائت بصورت تلگرافات مبادله شده است در این جا مطلب دیگری که قابل ملاحظه است این است که اصل ۲۳ از قانون احاسی افشاء مفاد مراسلات و تلگرافات افراد ملت ایران را منع میکند و قانون کفر عمومی هم این عمل را جرم میدانند بنا بر این باید فهمید در موقعی که یک او را قرائت ابراز میشود و گفته میشود که این او را قرائت بدست یک طرفی که میخواهد از آن استفاده کند ارائه است این از نظر حقوقی چه وضعی

دارد ؟ بنظر من در هیچ موردی تا اصل یا صدور اصل و انطباق رونوشت با اصل و اصالت اصل سند ثابت نشود منشأ اثری نیست ، حالا ما نمایانیم که در یک مجلسی هستیم که همین کتاب دوم قانون مدنی را ارائه کرده است و راجع با اسناد تعیین کرده است که چه نوع اسنادی قابل استناد است با این که این ورقه ، این او را قرائت منطبق با هیچیک از آنها نیست ما چطور میتوانیم باستناد این یک جرایمی که منجر بصدور یک اعتبار نامه شده است این را ما بگوئیم بر طبق این او را قرائت که قوانین مربوطه سندیت بان نمیدهد قابل اعتراض است ؟ ( دکتر معظمی - تلگرافات دخالت در انتخابات که به نیت نرسد ) تلگرافاتی که آقای دکتر گفته میشود ، او را قرائت ابراز شده است که آن او را قرائت تا اصل است و نه اسناد و گفته میشود که طبق مفاد این او را قرائت تلگراف مخابره شده است ، من عرض میکنم که نه اصلی وجود دارد و نه این او را قرائت مطابق با اصلش است از طرف هیچ مقامی تصدیق نشده است بنا بر این ما نمیتوانیم این او را قرائت را رونوشتی مطابق با اصل بدانیم . ( دکتر معظمی - تحقیق کنید بر سرستید بکسیون تحقیق کنند ) آن یک مطلب دیگری است ، آقای دکتر بنده خواهش میکنم توجه کنید من معتقد هستم اگر بنیاد تحقیق بشود مطلب دیگری است . ولی در وضع فعلی این او را قرائت قابل استفاده نیست و نمیتوان برخلاف اصول بر طبق این او را قرائت یک انتخاباتی را بی اثر دانست و باطل دانست ، حالا اگر عده ای از نمایندگان دُر نظر دارند که تحقیقات بشود آن یک مطلب منجمله ای است ، یکی هم راجع بان سیزده فقره است که گفته میشود مستند هائی بر آن نوشته شده است و ادعا میشود که این شماره های تلگرافات رمز است اینهم بهیچوجه سند نیست برای اینکه معلوم نیست که همچو تلگراف رمزی صادر شده باشد و معلوم نیست از کی صادر شده است و معلوم نیست موضوع چیست که پنجاه شصت تا تلگراف رمز صادر شده است بنا بر این این هم سندیتی ندارد . مطلبی را که بنده میخواهم عرض کنم و خیلی هم اهمیت دارد آن قضاوت مجلس شورای ملی است نسبت با اعتبار نامه آقای نواب ، این مطلب از نظر اصول حل شده است زیرا تجزیه پذیر نیست ، در یک مورد با انتخاب جمعی نتیجه شماره آراء حصول اکثریت برای سه نفر بوده است این از نظر اصول تجزیه پذیر نیست و وقتی که مجلس شورای ملی نسبت با اعتبار نامه آقای نواب تصمصیم مثبت اتخاذ نمود تصمصیم مخالف این تناقض میشود و البته مجلس شورای ملی از تناقض باید احتراز کند ، علاوه من لازم میدانم برض نمایندگان ملت و شریف است ( صحیح است ) و مردمان خیری هستند ( اردلان - صحیح است ) در تمام ادوار انتخابات و انتخابات انجمن شهرداری و انتخابات انجمن اطلاق تجارت اینها رای داشته اند ، چنانکه الان هم آقای هراتی عضو انجمن شهرداری است و همچنین عضو اطلاق تجارت یزد است علاوه در خانواده اینها در ادوار دیگر هم همیشه رای های زیادی داشته اند از آن جمله در دوره ۱۴ یکی از افراد این خانواده در درجه چهارم اکثریت داشته است و معاشن باشند

آقایان نمایندگان محترم که این جوان از هر حیث شایسته اینجا هست و کلیه مطالبی که او در مورد این انتخابات بیان کرده است با حسن نیت تلقی بکنید زیرا که حقیقت میتوان متأسف بود در موردی که یک خانواده خیرات و مبرات بسیاری در یزد کرده است ، الان هم مرضخانه ای اینها دو سال است که شرع کرده اند بساختن آن و دارای پنجاه تخت خواب است و در شرف اختتام است تمام مردم یزد باین خانواده اعتماد پیدا کرده اند و این است که رای داده اند بهشان و هیچ دلیلی برای رد اعتبار نامه ایشان نیست و من امیدوار هستم که نمایندگان ملت در نظر بگیرند که سر نوشت یک جوانی که خیر و درستکار و طرف اعتماد مردم یزد است تحت تأثیر اشتباهی که از طرف مخالف یا بعضی از آقایان کرده اند لکه دار نشود و هر ض دیگری هم ندارم .

جمعی از نمایندگان - رای ، رای . نایب رئیس - رای میگیرم به صحت اعتبار نامه آقای هراتی از یزد .

مکی - تقاضای رای با ورقه کرده ام . نایب رئیس - اطلاع دادم .

مکی - آقا بنده تقاضای رای با ورقه کرده ام باید با ورقه رای بگیریم .

نایب رئیس - این جا داد نزدیک این جا مجلس شورای ملی است .

اردلان - اعلام رای بفرمائید . مکی - نمیشود آقا .

نایب رئیس - آقای مکی داد نزدیک . نایب رئیس - آقایانی که موافق هستند قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

مکی - تصویب نشد . نایب رئیس - آقای مکی تشخیص تصویب یا هیئت رئیسه است نه با شما تصویب شد ، شما اخطار میکنم آقای دکتر معظمی بفرمائید .

دکتر معظمی - از مقام ریاست اجازه خواسته بودم که اینجا یک تذکر قانونی بدهم راجع بودجه که از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی شده است و مخصوصاً تذکر میخواهم بدهم بر ریاست کیسیون بودجه . آقای رئیس کیسیون بودجه آقای بهمانی جناب عالی فرزند مرحوم بهمانی هستید که انتخار ایشان برای این است که بشرح و طبع خدمت کرده اند ( صحیح است ) و بنا بر این بایستی حقوق مجلس که هیات از تصویب بودجه است ملاحظه بشود و این بودجه که به مجلس تقدیم شده است کاملاً برخلاف قوانین جاریه مملکتی است ( صحیح است ) و مخصوصاً یک تبصره ای دارد برای آقایان میخوانم مادام که بودجه های تفصیلی سال ۲۶ وزارتخانه ها و ادارات و دستگاههای دولتی تصویب کیسیون بودجه مجلس شورای ملی نرسیده بر طبق بودجه های پیشنهادی آن ها که باضای وزارت دارائی رسیده است پرداخت میشود . یعنی بودجه را به مجلس داده اند و میگویند ما خودمان می بردازیم بنا بر این خواستم بگویم که مطابق اصول کلی هیچوقت بدون کسب اجازه از مجلس شورای ملی حق پرداخت نخواهند داشت ( صحیح است ) اضافه بر این اگر برای پرداخت حقوق مستخدمین در فشار هستند کیسیون

بودجه میتواند موافقت بکنند یک ماده جداگانه ای به مجلس بیاورند . یکی از حقوق مجلس شورای ملی بودجه است و من این را از حقوق مسلمه مجلس شورای ملی میدانم باین جهت اگر بدون اجازه مجلس پرداختی بشود روی آن استیضاح خواهم کرد ( صحیح است ) نایب رئیس - آقای اردلان .

فرامرزی - در دستور چنین چیزی نیست . اردلان - نماینده محترم آقای دکتر معظمی

بیاناتی فرمودند خواستم در پاسخ ایشان عرض بکنم که دولت یک بودجه ای .... ( دکتر اعتبار - اینها چه صحبت هائی است ) دولت یک بودجه به مجلس شورای ملی تقدیم کرده و به کیسیون بودجه فرستاده شده ما از کیسیون بودجه تقاضا میکنیم هر نظری نسبت باین دارد و هر تصمیمی را که میگیرد گزارشی آن را به مجلس بدهد و ما این جا هر منظوری که داریم عملی میکنیم ( صحیح است ) اگر گزارش دادند مبنی بر این که پرداخت بشود در مجلس مطرح بشود ما رای میگیریم و ترتیبش را میدهم یا از حضرت هالی که در کیسیون بودجه تشریف دارید و از جناب آقای امقانی تقاضا میکنم که گزارش این موضوع را زودتر مجلس بدهند

موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - پیشنهاد ختم جلسه کرده اند ، جلسه را ختم میکنم ، جلسه آینه روز سه شنبه ساعت ۳ ر بعد از ظهر ، دستور اعتبار نامه ها و لایحه وزارت فرهنگ . ( مجلس ساعت هفت و چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد )

نایب رئیس مجلس شورای ملی - امیر حسین ایلخان

### تصویب نامه ها

شماره ۱۶۹۹۴ ۲۶۸۲۱ هیئت وزیران بر طبق تبصره ۲ از ماده ۲ قانون تقسیمات کشور بر حسب پیشنهاد شماره ۶۹۲ - ۶۹۲۸ وزارت کشور در جلسه ۲۰ آبان ماه ۲۲۶ تصویب نمودند که در تقاطع زیر بخشداران تشکیل شود ، ۱ - چهار اویساق که تابع بخش هشتگرد ( سر اسکند ) بوده از هشتگرد منتزع و تبدیل بخش که مرکز آن قره آقاج قرار داده شود و دهستان قوری جای هم تابع بخش چارباغ است ۲ - بناب تبدیل بخش و مرکز آن قصبه بناب و دهستان بنابو تابع بخش بناب ۳ - عجب شیر تبدیل بخش و مرکز آن قصبه عجب شیر و دهستان دیزجرود تابع بخش عجب شیر خواهد بود . ۴ - بخش جدید التاسبس تابع شهرستان مراغه تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است . ۴ - ۴۶۷۷ از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۸۸ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۴۴۴۰۴ - ۱ وزارت دارائی تصویب نمودند: (۳) بتصویبنامه شماره ۷۹۹۸ مورخ ۱۳۲۶-۴-۲۰ بشرح زیر اراضی را در: یکسه گونیهای کوچک که از حیث ابعاد و وزن ربع گونیهای متعارفی یا کمتر میباشد سودباز گانی بجز آن ربع نه های مذکور در بند ۲ و تصویبنامه نامبرده تعلق خواهد گرفت.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۸۷ وزارت جنگ**  
 هیئت وزیران در جلسه هیجدهم آبان ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۷۱۳۰-۶۶۲۹۷-۲۷۳۱۸ وزارت جنگ و بر طبق کمیسیون بازنشستگی و مستعفی منقده در ژاندارمری کل کشور تصویب نمودند که وظیفه و زوات قانونی ژاندارم محمد اسمعیل فرزند محمد ابن ابراهیم شهرت ساریجانی قلعه باباخانی که در تاریخ ۲۴-۱-۲۳ در راه انجام وظیفه مقتول گردیده از تاریخ ۲۴-۱-۲۵ بشرح زیر:

چشمه - فاطمه قلی زاده ۳۲ ساله عیال مقتول ۳۰۰ ریال

حسین ساریجانی قلعه باباخانی ۲ ساله پسر مقتول ۳۰۰ ریال

از صندوق بازنشستگی ارتش پرداخت و مراتب در فرمان عمومی ارتش درج شود.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۸۷ وزارت جنگ**  
 هیئت وزیران در جلسه ۱۸ آبان ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۶۵۳۹۹ - ۷۰۳۳ - ۲۷۰۳۲ وزارت جنگ و بر طبق کمیسیون بازنشستگی و مستعفی منقده در ژاندارمری کل کشور تصویب نمودند که وظیفه وراث قانونی ژاندارم جید علی قرظند قاسم شهرت قاسمی که در تاریخ ۲۶/۱/۲۱ در راه انجام وظیفه مقتول گردیده از تاریخ ۲۲/۱/۲۶ بشرح زیر:

۱ - سلطنت شیرازی کفاشی عیال مقتول ۴۶ ساله ۳۰۰ ریال

۲ - زهرا خانی کو آباد عیال مقتول ۱۹ ساله ۳۰۰ ریال

از صندوق بازنشستگی ارتش پرداخت و مراتب در فرمان عمومی ارتش درج شود ضمناً چون از تاریخ ۲۶/۱/۲۱ طفل نوزادی موسوم به فردوس خانی کوآبادی دختر مقتول بوراث اضافه شد لذا هر یک از ۳ نفر ورثه مذکور از تاریخ ۲۶/۱/۲۱ ماهیانه بایضا مبلغ ۲۰۰ ریال پرداخت شود.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۸۸ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه هیجدهم آبان ماه ۱۳۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۴۷۴۳۵ - ۱ وزارت دارائی تصویب نمودند:

وزارت دارائی مجاز است بقایای مالیات املاک مزروعی مربوط بسنوات گذشته تا پایان سال ۳۲ را به قسط متساوی در مواعیدی که برای وصول مالیات املاک مزروعی مقرر است در ۳ سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ بضمیمه مالیات همان سال وصول نماید.

اجرای ترتیب بالا مشروط بر اینست که مؤدیان مالیات سال ۱۳۲۶ اوسط اول بقایا را منتها تا آخر دیماه ۱۳۲۶ پرداخته و رسید دریافت دارند و سندی بقیه نسبت بدو قسط باقی بقایا را برای پرداخت در سال ۱۳۲۷ - ۲۸ بسیارند مؤدیانی که بترتیب بالا عمل نمایند از تأدیبه جریمه تخلف و زیان دیر کرد بقایای مزبور بخشوده خواهند بود در غیر اینصورت تمامی بقایا بانضمام جریمه تخلف و زیان دیر کرد نقداً وصول میگردد.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۴۴۳۲-۱۵۲ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه ۶ مهرماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۵۵۲۲-۵۶۹۰۷ وزارت کشور و بر طبق تبصره ۲ از ماده ۲ قانون تقسیمات کشور و بنا بر پیشنهاد شماره ۵۶۹۰۷-۵۵۲۲ سازمان فرمانداری که در بودجه سال ۳۲۶ برای شهرستان شدن شوشتر تأمین و تصویب شده بخش شوشتر تبدیل بشهرستان گردیده و بخشهای تابعه آن کنوند و سماه خواهند بود.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۸۵ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۷۲۳۶۲-۳۵۱۰۲ وزارت کشور تصویب نمودند.

نظر بر اینکه برابر تصویبنامه شماره ۱۱۹۲-۳۱۹۶۳ مالیات برق مصرفی شب در شاهرود کیلواتی یکریال کارخانه مولد برق موظف بوصول آن بوده برابر رسیدگی های اخیر دارائی و شهرداری شاهرود معلوم شده که کارخانه مذکور از تاریخ تأسیس در شاهرود (شهریور ۱۳۲۱) تا آخر خرداد ۱۳۲۵ بجای کیلواتی یکریال مذکور اشتباهاً یک ریال و پنجاه دینار بیهای آبونمان را از مصرف کنندگان وصول نموده و در نتیجه ۸۵-۱۳۵۰۸۰۰ ریال اضافه از کیلواتی یکریال دریافت داشته اند و با ملاحظه کثرت تعداد مؤدیان و نقل و انتقالاتی که در این مدت آقایان پرداخت کنندگان از شهرستان مذکور نموده اند استرداد آن بصاحبان اصلی خالی از اشکالاتی نمیباشد و نظر اصلی مؤدیان در حین پرداخت نیز کمال به همرا و آبادی شهر بوده

بنا بر این تصویب میشود اضافه دریافتی مذکور بشهرداری شاهرود و اگذار گردد که بصرف اصلاحات محلی بر طبق برنامه مصوب شهرداری برسد و از تاریخ اول تیرماه ۱۳۲۵ نیز دریافت ۰/۵۰ آبونمان موقوف وهمان کیلواتی یکریال مقرر در تصویب نامه شماره بالا وصول خواهد شد.

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۹۹ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۷۴۵ مورخ ۱۳۲۶-۸-۱۶ وزارت کشاورزی و موافقت شماره ۱۲-۲-۲۶ وزارت دارائی تصویب نمودند که مبلغ سی هزار ریال بوراث قانونی ستوان دو علی محمد دبیری افسر نیروی هوائی که در موقع انجام وظیفه سیماشی در اراضی آلوده بلنج مهران در نتیجه سقوط هواپیما فوت نموده است از اعتبار سال ۳۲۶ دولت بعنوان پاداش پرداخت شود و هرگاه از طرف وزارت جنگ در اجرای تصویبنامه شماره ۴۷۴۶-۲۶-۳-۴ وجهی بورتی آن مرحوم پرداخت کرده است مبلغ سی هزار ریال بالا از آن کسر و موضوع شود تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۹۸ وزارت جنگ**  
 هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۶۶۱۰۹۶-۲۵۴۲۵ وزارت جنگ و بر طبق مقررات ماده ۲۱ قانون بازنشستگی ارتش و ماده واحده مصوبه ۲۳ دیماه ۱۳۲۴ تصویب مینماید که از تاریخ ۱-۱-۱۳۲۶ مبلغ یانصد ریال تمام حقوق ثابت گروهیان دوم مقتول حشمت گلندام از قسمت تیپ مستقل کرمانشاه که در تاریخ ۳۰-۱۲-۲۵ در مصادمه با بارزانیها مقتول گردیده در باره سه نفر ورثه بشرح زیر بر قرار گردد:

۱ - بانو زینب گلندام پور همتی بشناس نامه ۹۵۳۰ متولد ۱۲۷۷ عیال ۱۶۶-۶۵ ریال

۲ - عشرت گلندام پور همتی بشناسنامه ۹۵۳۲ متولد ۱۳۰۵ خواهر ۱۶۶-۶۵ ریال

۳ - هفت گلندام پور همتی بشناسنامه ۵۵۷ متولد ۱۳۰۹ خواهر ۱۶۶-۶۵ ریال

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۹۱۲ وزارت جنگ**  
 هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۷۰۶۷-۶۶۸۷۶-۲۵۴۲۷ وزارت جنگ و بر طبق مقررات ماده ۲۱ قانون بازنشستگی ارتش و ماده واحده مصوبه ۲۳ دیماه ۱۳۲۴ تصویب مینماید از تاریخ ۲۴-۱-۲۵ ماهیانه مبلغ شصده پنج ریال تمام حقوق ثابت استوار یکم عباس تیموری از قسمت تیپ مستقل کرمانشاه که در مصادمه با بارزانیها مقتول گردیده

در باره چهار نفر ورثه بشرح زیر بر قرار گردد:

۱ - بانو سادات دارابی فرزند میرزا شاه بشناسنامه ۲۰ متولد ۱۲۹۰ عیال ۱۶۲-۵۰ ریال

۲ - منصور تیموری مزلفانی فرزند عباس بشناسنامه ۴۲۸ متولد ۱۳۱۸ پسر ۱۶۲-۵۰ ریال

۳ - مسعود تیموری مزلفانی فرزند عباس بشناسنامه ۲۶۲ متولد ۱۳۲ پسر ۱۶۲-۵۰ ریال

۴ - منیر تیموری مزلفانی فرزند عباس بشناسنامه ۱۴۰ متولد ۱۳۲۴ دختر ۱۶۲-۵۰ ریال

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۶۹۰ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه شانزدهم آبانماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد وزارتین دارائی و کشاورزی آئین نامه ذیل مشتمل بر ۲۲ ماده راجع به تقسیم اراضی خوزستان را تصویب نمودند:

ماده ۱ - بایرانیان یا شرکتهای ایرانی که طبق قانون ۱۶ فروردین ۱۳۱۴ بخواهند در خوزستان آبادانی نمایند دولت از اراضی خود مچنانچه واگذار خواهند نمود مشروط باینکه اراضی واگذاری را بوسیله تلمبه یا شق نهر یا ساختمان سه آبیاری و آباد نمایند.

تبصره اول از ماده اول زمین فقط بآن دسته از شرکتهای ایرانی داده خواهد شد که تمام سهام آن متعلق بانایع ایران باشد و فرض از تشکیل و عمل آنها منحصر بامور مقرر در این آئین نامه باشد.

تبصره دوم از ماده اول داوطلبان در موقع تقاضا باید سرمایه ای را که برای انجام تمهدات آنها لازم خواهد بود بکمیسیون مربوطه ارائه دهند.

ماده ۲ - داوطلبان اراضی که بخواهند بوسیله تلمبه اراضی را آبیاری نمایند باید تمهد نمایند که در ظرف دو سال از تاریخ تحویل اراضی ( بدون هیچگونه حق تمدید ) تلمبه های لازم را نصب نموده و دائر نمایند تلمبه هائیکه نصب میشود حداقل باید دارای ۲۴ قوه اسب و تلمبه هائیکه برای آبیاری مورد استفاده قرار میگیرد باید دو دستگاه متساوی- القوه باشد که بجز آن آب یک دستگاه آن زمین تحویل میشود. در صورتیکه دو دستگاه تلمبه متساوی القوه نباشد بجز آن آب تلمبه ضعیف تر زمین تحویل میشود.

ماده ۳ - داوطلبان اراضی که میخواهند بوسیله شق نهر اراضی را آبیاری نمایند باید نقشه نهری را که باید احداث نمایند تهیه نموده بتصدیق بنگاه کل آبیاری برسانند و بموجب بیامانی که با اداره دارائی محل منعقد خواهند کرد تمهد نمایند از تاریخ تحویل اراضی در ظرف مدتیکه بنگاه کل آبیاری برای ایجاد نهر لازم میدانند تمهد خود را اجرا نمایند.

ماده ۴ - داوطلبان اراضی که بخواهند بوسیله ساختمان سد یا تونل اراضی را آبیاری نمایند باید نقشه کلیه عملیات ساختمانی - نهر کشی - جدول سازی را بخرج خود تهیه نموده و بتصدیق بنگاه کل آبیاری برسانند و بیان لازم برای اجرای امریه اداره دارائی محل منعقد نمایند و از تاریخ تحویل اراضی در ظرف مدتیکه در بیامان پیش بینی شده و بانظر بنگاه کل آبیاری معین میشود کلیه عملیات

مربوطه را انجام نمایند.

ماده ۵ - مرجع تسلیم تقاضانامه اداره دارائی خوزستان است.

ماده ۶ - تقاضای اراضی باید متضمن يك نقشه ساده از اراضی مورد تقاضا باشد در موردی تقاضا های تا یکهزار هکتار نقشه باید حاوی مشخصات لازم راجع بجهت اربعه زمین بوده و توضیحات لازم در نقشه ذکر شده باشد در مورد تقاضای اراضی بیش از یکهزار هکتار نقشه کامل و صحیح اراضی باید تهیه شده و بتصدیق بنگاه کل آبیاری یا اداره کشاورزی محل یا هر دستگاه و شخص دیگری که کمیسیون تقسیم اراضی معین خواهد کرد برسد.

ماده ۷ - کسانی که در اراضی فعلاً مشغول زراعت دیم هستند نسبت بسایر تقاضا کنندگان حق تقدم دارند بشرط اینکه در ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه تقاضای خود را برای واگذاری زمین تسلیم و تمهد آبادانی اراضی را طبق این آئین نامه بنمایند در غیر اینصورت حق تقدم آنها ساقط خواهد شد.

ماده ۸ - در صورتیکه برای یکقطعه زمین در یک موقع تقاضای متعدد برای آبیاری بوسیله شق نهر ساختمان سد یا تونل و تلمبه برسد تقاضای آبیاری بوسیله شق نهر- ساختمان سد یا تونل بر تقاضای آبیاری بوسیله تلمبه تقدم خواهند داشت.

ماده ۹ - برای واگذاری هر قطعه زمین بیامان ثبتی رسمی بین اداره دارائی محل و تقاضا کننده منعقد میشود بیامان باید حاوی کلیه شرایط و واگذاری باشد و جزء شرایط باید قید شود که گیرندگان اراضی در ضمن عملیات خود اقدامی که موجب مزاحمت یا نقصی در همرا و آبادی زمینهایی که فعلاً آباد است بشود نخواهند نمود.

ماده ۱۰ - مقدار اراضی که بملکیت تقاضا کنندگان واگذار میشود برای هر لیت سه هکتار برای سه آیش خواهد بود.

ماده ۱۱ - تقاضا کنندگان اراضی موظفند نسبت به هر یکصد هکتار زمین واگذاری یک هکتار باغ مرکبات و خرما در ظرف ۵ سال از تاریخ واگذاری احداث نمایند.

ماده ۱۲ - زه کشی لازم برای اراضی باید پیش بینی شود و کلیه عملیات جدول کشی نهر سازی و زه کشی باید کلاً طبق اصول فنی که مورد قبول وزارت کشاورزی بنگاه کل آبیاری واقع شود اجراء گردد.

ماده ۱۳ - عرض واگذاری اراضی در امتداد رودخانه خواهد بود و نمی تواند از یک ربع طول آن بیشتر باشد در نقاطی که بخش آب رودخانه و باطبیعت زمین مانع رعایت این ترتیب شود ممکن است نسبت عرض طول را تغییر داد.

ماده ۱۴ - برای اجراء مقررات این آئین نامه هیئت دائمی مرکب از استاندار خوزستان، پیشکار دارائی، رئیس اداره کشاورزی در محل تشکیل می شود این هیئت مأمور اجراء این تصویبنامه میباشد تصمیمات هیئت که بر خلاف مفاد این آئین نامه و یا سایر مقررات عمومی کشور اتخاذ شده باشد از طرف وزارت دارائی قابل برگشت میباشد.

تبصره - مراقبت و مشولیت در حسن اجرای

شرایط مندرجه در اسناد واگذاری بجهت پیشکار دارائی خوزستان بوده و در هر موقع باید بچگونگی را برای اخذ تصمیم مقتضی باستحضار کمیسیون برسانند.

ماده ۱۵ - جز در موارد فرس ماژور تخلف از اجراء مقررات بیامان حق فسخ آنرا بدولت میدهد و در این صورت صاحب بیامان حق ادعای هیچ گونه خسارت نخواهد داشت و اراضی بملکیت دولت بر میگردد و مستعدان تقاضا کننده در روی زمین بدولت منتقل خواهند شد و در این زمینه تقاضا کننده ضمن بیامان با اداره دارائی محل اختیار باجزل میدهد تصدیق وجود فرس ماژور با هیئت دائمی تقسیم اراضی خواهد بود.

ماده ۱۶ - افراد یا شرکتهایی که بوجب این آئین نامه زمین از دولت میگیرند قبل از اینکه تمهدات خود را در باب آن اراضی انجام داده باشند حق واگذاری آنرا نخواهند داشت.

ماده ۱۷ - حق نصب تلمبه در امتداد رودخانه دارائی و واگذاری و حفر مجاری در آنها برای مالکین اراضی که پشت اراضی واگذاری واقع در کنار رودخانه قرار دارند محفوظ خواهد بود و این شرط در اوراق انتقال قید خواهد شد.

ماده ۱۸ - وزارت کشاورزی و بنگاه کل آبیاری برای تسهیل در اجراء مقررات این آئین نامه ترتیبی خواهد داد که تا حدود امکان مراجعات مربوط بتهیه نقشه و تصویب آن در محل بدون ضرورت مراجعه بمرکز مقدور باشد.

ماده ۱۹ - هیئت تقسیم اراضی خالصه خوزستان مکلف است که با نهایت سرعت تقاضای داوطلبان رسیدگی نموده و در ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ دریافت تقاضا تکلیف داوطلبان را معلوم نماید.

ماده ۲۰ - با رعایای ساکن اراضی واگذاری مالکین موظف هستند که مابق معمول محل بطریق مزاعره رفتار نمایند.

ماده ۲۱ - نسبت باراضی که بدون رعایت آئین نامه قبلی آباد شده و باموافقت خاص بین اداره دارائی محل و زارعین اراضی بعمل آمده مطابق مقررات آئین نامه رفتار میشود. برای تصفیه کار این قبیل اراضی در صورت وجود اختلاف نظر کمیسیون تقسیم اراضی قاطع خواهد بود.

ماده ۲۲ - آئین نامه های اجرائی مقررات این تصویبنامه را وزارت دارائی و وزارت کشاورزی اعلان خواهند نمود.

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

**شماره ۱۷۱۴ وزارت دارائی**  
 هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۳۴۲۹۲ - ۶۹۷۵۷ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویب نامه ردیف ۳ تصویب نامه شماره ۶۰۰-۲۵۰۲۲ بشرح زیر اصلاح گردد:

۱ - از کلبه چغندر قند نسبت به ۴۲/۰٪ دوم سهمی مالک از قرار تومانی پنجاه دینار.

۲ - از کلبه سهمی مالکین چغندر چاه آبکاری

آنچه بمالک باید میشود ۰۵٪ بهاء بنفع شهرداری شیراز دریافت گردد.  
تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
م - ۴۶۷۵ از طرف نخست وزیر  
شماره ۱۶۹۹۶ ۱۳۲۶-۸-۲۹  
وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۳۶۰۲۸ ر ۷۲۰۴۷ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویب نامه تصویب نامه شماره ۱۷۲۵۰-۸-۲۴ مربوط بمواضع پیشه‌وران شهرداری خرم‌آباد منفی میگردد تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.  
م - ۴۶۷۴ از طرف نخست وزیر  
شماره ۱۶۳۶۰ ۲۶۸۲۱  
وزارت اقتصاد ملی

هیئت وزیران در جلسه بیستم آبان ماه ۲۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۶۴۰۲ - ۱۸۲۸۷ مورخ ۲۶-۸-۵ وزارت اقتصاد ملی و موافقت شماره - ۴۱۱۴۳ تاریخ ۲۶۸۲۸ ر ۲۶ وزارت دارائی تصویب نمودند از تاریخ صدور تصویب نامه وزنه های برنجی

و چندی بشرح زیرین :

الف	وزنه های برنجی
یک گرمی	۷ ریال
دو «	۷ «
۵ «	۹ «
۱۰ «	۱۱ «
۲۰ «	۱۴ «
۵۰ «	۲۰ «
۷۵ «	۳۰ «
۱۰۰ «	۳۷ «
۲۰۰ «	۶۵ «
۵۰۰ «	۱۱۰ «

ب

وزنه های چدنی	ب
۲۴ ریال	۲۰۰ گرمی
۲۸ «	۵۰۰ «
۳۶ «	یک کیلوئی
۷۰ «	دو «
۱۰۴ «	سه «
۱۷۰ «	پنج «
۲۴۰ «	ده «
۶۶۰ «	بیست «

ج

وزنه های قیان باسکول	ج
۲۸ ریال	۵۰۰ گرمی
۲۴ «	۲۰۰ «
۲۰ «	۱۰۰ «
۲۰ «	۵۰ «
۱۳ «	۲۰ «

د

وزنه های قیان دستی	د
۸۰ ریال	۲ کیلوئی بادسته
۱۲۰ «	۳ «
۱۸۰ «	۵ «

در مرکز و شهرستانها بفروش برسد صدی پانزده وجوه حاصله از فروش وزنه بابت باربری و هزینه پرستلی در اختیار وزارت اقتصاد ملی گذارده میشود و وزارت نامبرده مجاز است که صدی پنج از درآمد وزنه را برای تشویق بفروشنده گان وزنه اختصاص دهد.

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
م ۴۶۸۱ از طرف نخست وزیر  
شماره ۱۵۹۳۸ ۲۶۸۲۴  
وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه بیست و سوم آبان ماه

۱۳۲۶ طبق پیشنهاد ۳۲۵۳۹ - ۶۱۰۹۹ وزارت کشور تصویب نمودند از تاریخ صدور این تصویب نامه از هر سرویس اتومبیل گرایه که بخارج از شهر گتسامیرود بیست ریال وسیله گاراژ دارا زراننده یا صاحب ماشین بنفع شهرداری فسا دریافت شود تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
م ۴۷۸۳ از طرف نخست وزیر

شماره ۲۳۶۵۱-۱۰۰۱۲ ۲۶-۸-۱۱  
**آقای غلامحسین قاضی مرادی**  
دفتر یار درجه اول و نماینده دفتر اسناد رسمی شماره ۳۳ رشت  
بموجب این حکم بسمت سر دفتری اسناد رسمی درجه سوم شهرستان رشت منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری

شماره ۲۳۲۳۷-۱۰۱۸۰ ۲۶-۸-۷

**آقای ابوالفضل یشربی سردفتر**  
اسناد رسمی شماره ۶ سابق مراغه  
پیرو ابلاغ شماره ۶۷۹۷-۱۴۹۱۸-۲۴

۲۶-۵-۲۶ چو محاکمه انتظامی شما منتهی بمحکومیت بجزای نقدی شده بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی دفتر اسناد رسمی اعلام میدارد  
وزیر دادگستری

شماره ۲۲۶۵۶-۱۰۶۳۹ ۲۶-۸-۹

**آقای هاشم قربان زاده سر دفتر**  
اسناد رسمی شماره ۳۳ اهر و ارسباران  
بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بشهر تبریز تبدیل میشود طبق مقررات بسمت سر دفتری اسناد رسمی شماره ۷ تبریز انجام وظیفه نمایند.  
وزیر دادگستری